

احکام نماز

درس هفتم

هدف کلی

آشنایی با برخی از احکام نماز

اهداف جزئی

- آشنایی با نه مورد از مبطلات نماز
- آشنایی با برخی از احکام پیرامونی نماز

ضرورت درس

دانش آموزان در کتاب پیام‌های آسمان هفتم، نکاتی را در خصوص اهمیت نماز فرا گرفتند و در پایه هشتم با برخی از آداب نماز از جمله خواندن آن به جماعت و نیز گفتن اذان و اقامه آشنا شدند. در این کتاب بایستی با برخی از کارهایی که موجب بطلان نماز می‌شود، آشنا شوند.

محورهای اصلی درس

- ۱ نماز بهترین وسیله برای یاد خدا
- ۲ شک بین رکعت سوم و چهارم و حکم آن
- ۳ تبیین نه مورد از مبطلات نماز
- ۴ بیان چند مسئله شایع در مورد نماز که معمولاً مورد سؤال دانش آموزان است.

این درس به این پرسش‌ها پاسخ می‌دهد :

- ۱ آیا اگر کسی در تعداد رکعات نمازش شک کند، نمازش باطل می‌شود؟
- ۲ اگر انسان در نماز سهواً صورت خود را به سمت چپ و یا راست بگرداند، نمازش باطل می‌شود؟

- ۳ آیا خندیدن در نماز، باعث باطل شدن آن می‌شود؟
- ۴ اگر سهواً در نماز حرف بزیم، نماز باطل می‌شود؟
- ۵ اگر باقی مانده غذا در دهانمان باشد و آن را در بین نماز فرو بریم، نمازمان صحیح است؟
- ۶ آیا در قنوت نماز می‌توان به زبان فارسی یا هر زبان دیگری دعا کرد؟
- ۷ آیا عطسه یا خمیازه، نماز را باطل می‌کند؟

تحلیل اجزای درس

■ ورودیه: در این قسمت سعی شده تا اهمیت و لزوم اقامه نماز از منظر رابطه دوستی میان انسان و خدا بیان شود. به این صورت که، هرچقدر انسان کسی را بیشتر دوست داشته باشد، بیشتر به یاد اوست و از همین جهت، هرآنچه که یاد دوست را در دل و ذهن انسان زنده کند، برای وی ارزشمند است. همین حالت در رابطه انسان با خالق خود که دست دوستی به سوی انسان دراز کرده است^۱، برقرار است؛ نماز طبق آیه قرآن، زنده کردن یاد خدا در دل است^۲. از این رو هرکس که خدا را به عنوان دوست و مونس خود برگزیند، قطعاً به نماز عشق می‌ورزد، زیرا نماز یاد این دوست را در دل انسان زنده نگه می‌دارد.

■ فعالیت کلاسی: این فعالیت می‌خواهد دانش آموز را به این نکته متوجه کند که وقتی تمام مخلوقات به حمد و تسبیح خداوند مشغولند آیا درست است که ما از این مسئله غافل باشیم؟ آیا این غفلت بزرگی نخواهد بود که همه عالم خداوند را عبادت می‌کنند و آنگاه انسان که خود را اشرف مخلوقات می‌داند، از سایر مخلوقات عقب تر باشد.

بحث حمد و تسبیح همه موجودات در آیات مختلفی در قرآن ذکر شده است به عنوان نمونه:

وَإِنْ مِنْ شَيْءٍ إِلَّا يُسَبِّحُ بِحَمْدِهِ (سوره اسراء، آیه ۴۴)

سَبِّحْ لِلَّهِ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ (سوره حشر، آیه ۱)

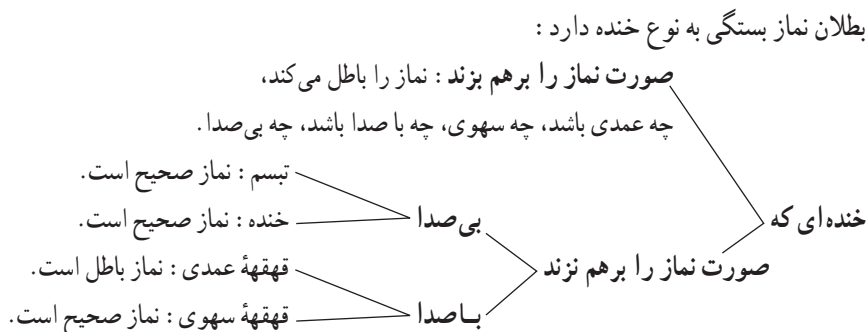
■ مبطلات نماز: مبطلات نماز، دوازده مورد است که در این درس به نه مورد که بیشتر مورد نیاز دانش آموزان است، اشاره شده است.

در این قسمت سعی شده است تا برخی اشکالات رایج دانش آموزان در مورد نماز به زبان ساده بیان شود؛ مثلاً دانش آموزان به دلیل اقتضات سنی خود، گاه در نماز می‌خندند. برخی از آنها گمان می‌کنند که هر خنده ای نماز را باطل می‌کند و برخی هم فکر می‌کنند که خنده در هر صورت، نماز را باطل نمی‌کند. اما

۱- اشاره به این فراز دعای ابوحمزه ثمالی دارد که: «الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي تَحَبَّبَ إِلَيَّ وَهُوَ غَنِيٌّ عَنِّي: ستایش خدایی را که به من اظهار

دوستی کرده با آنکه از من بی‌نیاز است.

۲- اشاره به آیه: أَمِمِ الصَّلَاةَ لِذِكْرِي: سوره طه، آیه ۱۴



■ چند مسئله مهم درباره نماز : در این قسمت سعی شده تا مسائلی مطرح گردد که معمولاً از مشکلات رایج در میان دانش آموزان است؛ مثلاً بسیاری از دانش آموزان نمازهای خود را بسیار سریع و تند می خوانند، به گونه ای که برخی ذکرها را در حال حرکت می گویند؛ و یا آن قدر تند اذکار را می گویند که حروف درست ادا نمی شوند. در این قسمت، این گونه مسائل مورد توجه قرار گرفته و حکم آنها بیان شده است.

■ فعالیت کلاسی : با توجه به احکام مطرح شده در درس، دانش آموزان بایستی حکم هر یک از موارد مطرح شده را بیان کنند؛ مثلاً در مورد قسمت یک، باید بگویند که اگر ذکرهای واجب نماز را در حال حرکت بگویند، نمازشان باطل است و عجله دلیل درستی برای اینکه ذکرها را در حال حرکت بگویند، نیست.

در قسمت دوم، نماز باطل نمی شود، چون عمداً آخ نگفته است بلکه طبق متن، از روی بی اختیاری بوده است. البته حکم آن، این است که پس از پایان نماز، دو سجده سهو به جا آورد.

در قسمت سوم، نماز باطل می شود، چون اگر نمازگزار سر خود را به حدی بچرخاند که دیگر صورتش رو به قبله نباشد، نمازش باطل می شود. در اینجا هم ذکر شده که صورت خود را برمی گرداند و به پشت سرش نگاه می کند. توجه داشته باشیم که در این مسئله، سهوی و عمدی بودن این کار نقشی در حکم ندارد و در هر دو صورت، نماز باطل است.

در مورد چهارم، چون نمازگزار خنده اش عمدی نبوده است، نمازش صحیح است.
در مورد پنجم، نماز صحیح است، چون نماز در صورتی باطل می شود (براساس مسئله شماره ۶، بخش مبطلات نماز) که صورت نماز به هم بخورد، اما در اینجا، صورت نماز به هم نخورده است.

دانستنی های معلم

چند حدیث در مورد نماز

■ امام باقر علیه السلام : روزی پیامبر در مسجد نشسته بودند، مردی وارد شد و بی آنکه رکوع و سجود خویش

را کامل به جا آورد، نماز گزارد. پیامبر ﷺ فرمود: نماز او چون مرغی است که نوک بر زمین می زند و اگر با این حال از دنیا برود به دین من نمرده است.

■ پیامبر اکرم ﷺ: آگاه باشید نماز سفره گسترده خدا در زمین است که خداوند آن را روزی پنج بار برای اهل رحمتش (افراد شایسته رحمت) گوارا نموده است. (مستدرک الوسائل، ج ۱، ص ۱۷۰)

■ پیامبر اکرم ﷺ: نماز چهره شیطان را سیاه می کند. (نهج الفصاحه، ص ۳۹۶)

■ پیامبر اکرم ﷺ: تا وقتی که فرزندان آدم، نمازشان را به دقت و با شرایط و آداب می خوانند، شیطان پیوسته از آنان در وحشت و هراس است؛ پس اگر انسان نماز را ضایع نماید، شیطان بر او چیره می شود و او را در گناهان کبیره انداخته و وی را گرفتار می کند. (بحار الانوار، ج ۸۲، ص ۲۰۲)

منابع برای مطالعه بیشتر

موارد معرفی شده در درس قبل.

همدلی و همراهی

درس هشتم

هدف کلی

توجه به معیارهای دوستی و تلاش برای انتخاب دوست مناسب

اهداف جزئی

- توجه به تأثیرات مثبت یا منفی دوست بر انسان و زندگی او
- شناخت معیارهای دوست خوب
- آشنایی با وظایف دوستان نسبت به یکدیگر

ضرورت درس

دوران نوجوانی و جوانی از حساس‌ترین مراحل زندگی هر انسانی است زیرا راه و منشی که انسان در این سن انتخاب می‌کند، می‌تواند همه زندگی انسان را تا پایان عمر تحت تأثیر خود قرار دهد. یکی از عوامل تأثیرگذار در انتخاب مسیر زندگی در این سن، دوستان هستند. دانش‌آموزان اکنون به سن ۱۵ سالگی رسیده‌اند و به دلیل خصوصیات این دوران به شدت از دوستان و همسالان خود تأثیرپذیرند. از همین جهت بایستی آگاهی لازم را در خصوص ویژگی‌های دوستان خوب داشته باشند و از خطرات دوستی با افراد نامناسب با خیر شوند. در خصوص بحث دوست مطالب زیادی در کتاب‌های درسی گفته شده است، اما ویژگی این درس این است که صرفاً با نگاه دینی و با توجه به آیات و روایت به مسئله دوستی پرداخته است.

محورهای اصلی درس

- ۱ نیاز به دوست یکی از نیازهای اساسی انسان (نیاز روحی)
- ۲ حساسیت انتخاب دوست در دوران نوجوانی و جوانی
- ۳ سه ویژگی دوست خوب: اهل فکر و اندیشه، آلوده نبودن به گناه و بی‌بندوباری، خیرخواه دیگران بودن

۴ پیامدهای بی‌توجهی به ملاک‌های انتخاب دوست خوب

۵ دو مورد از حدود و وظایف ما در دوستی: احترام به دوست و میانه‌روی در دوستی

این درس به این پرسش‌ها پاسخ می‌دهد:

۱ چرا این قدر به نوجوانان و جوانان در مورد انتخاب دوستان خود تذکر داده می‌شود؟

۲ دوست ناباب چه کسی است؟

۳ دوستی با افراد نامناسب چه تأثیری بر انسان می‌گذارد؟

۴ ویژگی‌های دوست خوب چیست؟

۵ حد و مرز دوستی کجاست؟ آیا می‌توانم به بهانه صمیمی بودن با دوستم هرگونه که می‌خواهم با او

رفتار کنم؟

تحلیل اجزای درس

■ ورودیه: هدف اصلی این ورودیه، توجه دادن دانش‌آموز به حساسیت و اهمیت جایگاه دوست در روایات است. به همین منظور، برخی از تعابیری که در روایات در خصوص دوست بیان شده در دو ستون نگاشته شده است. ستون اول تعابیری است که در خصوص دوست خوب گفته شده است. براساس این روایات دوستان خوب، از خویشاوند هم به انسان نزدیک‌ترند، زیرا گاه انسان چنان با آنها انس می‌گیرد که با نزدیکان و آشنایان خود چنین اُنسی ندارد و گاه آنان، چنان به یاری انسان می‌آیند که حتی خویشاوندان نیز این چنین کمکی به انسان نمی‌کنند. همچنین در این روایات دوست خوب به عنوان برترین سرمایه و اندوخته معرفی شده است. چه سرمایه‌ای بالاتر از دوستانی که در همه حال یاور انسان و در کنار وی هستند؛ کسانی که هرکاری را در حد توانایی خود انجام می‌دهند تا غم را از چهره دوست خود بزایند، دوستانی که اگر انسان به خطا رود، وی را از آن خطا باز می‌دارند و عیوب انسان را به وی متذکر می‌شوند. چنین افرادی که هم از لحاظ مادی و هم معنوی، پشتیبان ما هستند، قطعاً جزو بالاترین سرمایه و اندوخته ما خواهند بود. در این روایات دوست خوب عامل زنده شدن روح و روان انسان نیز معرفی شده است. بودن در کنار این دوستان، غم و غصه‌های انسان را می‌زداید و انسان را از انزوا و تنهایی نجات می‌دهد.

از سوی دیگر، همشینی که ویژگی‌های دوستی خوب را نداشته و اخلاق و رفتاری ناپسند داشته باشد به پاره‌ای از آتش تعبیر می‌شود، آتشی که می‌تواند جوانی و عمر انسان را بسوزاند. چه بسیار انسان‌هایی که به دلیل دوستی با چنین افرادی، زندگی و سلامت خود را از دست داده‌اند یا در مسیری خطرناک و نامعلوم قرار گرفته‌اند.

در روایات، از همنشین بد به عنوان ترسناک‌ترین چیزها نیز یاد شده است. چه چیز ترسناک‌تر از کسانی که با هل دادن انسان به سوی بیراهه‌ها، دنیا و آخرت انسان را به نابودی می‌کشند. همنشین بد، هم انسان را در دنیا گرفتار آلودگی، گناه و زشتی می‌کند و هم مانع حرکت انسان در جهت رشد معنویت و خوبی‌ها می‌شود. همچنین همنشین بد به شمشیری زیبا و در عین حال زهرآلود نیز تشبیه شده است، شمشیری که به علت ظاهر براقش هر کسی دوست دارد آن را در دست گیرد، اما دست زدن به آن همان و بریدن، خون‌ریزی و زخمی شدن با آن نیز همان. همنشینان بد معمولاً ظاهری فریبنده دارند، مثلاً حرف‌های قشنگ می‌زنند آن‌چنان‌که هرکسی علاقه‌مند می‌شود مانند آنان شود و دنباله‌روی آنان گردد.

■ **انتخاب سرنوشت‌ساز:** آنچه که در این بخش مورد تأکید قرار می‌گیرد، دو نکته است:

نکته اول: دانش‌آموز باید بداند که ما به گونه‌ای خلق شده‌ایم که در طول زندگی خویش، هم نیازهای جسمی داریم و هم نیازهای روحی. نیازهای جسمی مانند نیاز به آب، غذا، مسکن، هوا و ... است و نیازهای روحی مانند نیاز به دوست، همسر، آرامش و ...

خداوند که خود این نیازها را در وجود ما قرار داده، جهان را به گونه‌ای خلق کرده است که هر انسانی، پاسخ نیازهای خود را در دنیای اطراف خود بیابد. یکی از نیازهای روحی مهم برای انسان، نیاز به دوست و همنشین مناسب است. یعنی خدا ما را به گونه‌ای آفریده است که به دنبال همنشین خوب و دوست می‌گردیم تا با او انس بگیریم، در کنارش به آرامش دست یابیم و در سختی و آسایش، بخشی از زندگیمان را با او سپری کنیم.

نکته مهمی که در این بخش وجود دارد این است که خدایی که این نیاز را در وجود ما قرار داده است، بهتر از هر کس دیگری می‌داند که برای پاسخ به این نیاز روحی، چه افرادی به درستی می‌توانند این نیاز ما را برآورده کنند و چه کسانی نمی‌توانند. از همین رو، خداوند برای انتخاب دوست، قوانینی قرار داده است تا مبادا در مسیر برآورده کردن پاسخ این نیاز به بیراهه رویم، یعنی همان‌طور که خداوند در مورد نیازهای جسمی قوانینی را وضع کرده است تا سلامت جسم و جان ما دچار خدشه نشود؛ مثلاً فرموده است که برای برآورده شدن نیاز به غذا، هر غذایی را نخورید، چرا که فلان ماده غذایی مضر است و برای همین آن را حرام اعلام کرده است، همین‌طور هم در مورد نیازهای روحی دستوراتی داده است تا به سلامت روح ما آسیبی وارد نشود، مثلاً فرموده است با کسانی که شما را از خدا غافل می‌کنند، دوست نشوید؛ زیرا سرانجامی جز نبود کردن عواطف انسانی و سرمایه‌های معنوی در وجود شما ندارد.

نکته دوم: در قسمت دوم این بخش به این مسئله توجه داده شده است که به دلیل حساسیت بالای انتخاب دوست در دوران نوجوانی، توصیه‌های فراوانی در این خصوص به آنان شده است. در دوران نوجوانی، عواطف و احساسات انسان به شکل عجیبی افزایش یافته و همین امر، باعث می‌شود تا نوجوان به هر کسی دل ببندد، شیفته او شود و خود را از هر جهت شبیه او کند.

بخشی از این شبیه شدن‌ها ناخودآگاه است، یعنی فرد بدون آنکه خود متوجه باشد، مانند همنشین خود رفتار می‌کند و مسلماً اگر او فرد مناسبی نباشد، پس از مدتی منجر به سقوط انسان به سمت رفتارهای ناشایست می‌شود.

■ **فعالیت کلاسی:** این فعالیت برای تأکید بر نکته دومی است که در قسمت قبل مطرح شد و به دنبال آن است که دانش‌آموزان با نگاه به دوستان و اطرافیان خود، به عمق سخن امام علی علیه السلام که در متن درس آمده، بی‌ببرند و در نتیجه در برخی از دوستی‌های خود بازنگری کنند.

■ **بهترین دوست:** سؤالاتی که در ابتدای این بخش مطرح شده است، سؤالات مهمی است. خوب است از دانش‌آموزان خواسته شود تا معیارهای خود را برای انتخاب دوست بگویند. حتی می‌توان با پردازش بیشترین سؤالات، آنها را به تأمل بیشتر در این سؤالات واداشت. در این بخش اشاره شده است که در کتاب هفتم با سه ویژگی دوست خوب آشنا شده‌اید و در این کتاب با سه ویژگی دیگر آن، آشنا می‌شوید. جهت یادآوری مطالب کتاب هفتم، بهتر است به صورت مختصر نکاتی که در آن کتاب در خصوص دوست مطرح شد، بیان شود.

■ **اهل فکر و اندیشه باشد:** این ویژگی، برگرفته از آیه ۱۹۹ سوره اعراف «حُذِ الْعَفْوَ وَأْمُرْ بِالْعُرْفِ وَأَعْرِضْ عَنِ الْجَاهِلِينَ» و نیز حدیثی از امام علی علیه السلام است که می‌فرماید: «برای مسلمان سزاوار است که از رفاقت با سه کس اجتناب کند: بی‌باک [در گفتار و کردار یعنی انسان هرزه]، احمق و دروغگو؛ اما شخص بی‌باک و هرزه، کار خود را برای تو زینت دهد و دوست دارد تو هم مانند او باشی و در کار دین و آخرت تو را یاری نکند و رفاقت با او جفا و قساوت قلب می‌آورد... اما احمق پس او به خیر و خوبی تو دستور ندهد و در رفع شر امیدی به او نیست، اگر چه خود را به رنج و زحمت بیندازد و چه بسا بخواهد خیری به تو رساند ولی به تو زیان می‌رساند...»

یکی از ویژگی‌های دوستی در این دوران، این است که نوجوانان مشکلات و مسائل خود را در جمع‌های دوستانه خود به مشورت می‌گذارند و از یکدیگر راه حل می‌خواهند.

قطعاً اگر دوستانی که نوجوان برای خود انتخاب می‌کند افرادی کم‌اطلاع یا ناآگاه باشند، با دادن مشورت‌های غلط، زمینه‌های انحراف او را فراهم می‌کنند، مثلاً وقتی نوجوانی به دوستان خود از غم‌ها و مشکلاتش حرفی می‌زند، ممکن است برخی از همین افراد ناآگاه به او کشیدن سیگار یا مصرف برخی روان‌گردان‌ها را برای غلبه بر غم و غصه، پیشنهاد کنند!

این قسمت از درس با توجه به همین نکته، به نوجوانان توصیه می‌کند که حتماً یکی از معیارهای اصلی خود در انتخاب دوست را، آگاهی و دانایی فرد بگذارند. دوست دانا هر راهی را پیش پای دوست خود نمی‌گذارد و اگر خود نتواند کاری برای دوستش انجام دهد، او را به سمت مشاوره با افراد آگاه (همچون معلم، پدر و مادر، روحانی محل و...) سوق می‌دهد.

■ اهل گناه نباشد و از گناه دیگران نیز ناراحت شود : متأسفانه برخی نوجوانان به دلیل محیط تربیتی نامناسب، دچار برخی انحرافات اخلاقی می‌شوند و هرکس دیگری نیز که با آنها همنشین و همراه شود، گرفتار این انحرافات می‌شود. این گونه افراد، شکستن برخی هنجارها یا رعایت نکردن برخی ارزش‌ها را بد نمی‌دانند و بدتر از آن اینکه، نه تنها خودشان آن را تکرار می‌کنند بلکه زشتی این اعمال را پیش دوستانشان نیز توجیه می‌کنند.

به عنوان نمونه افرادی هستند که به دیدن فیلم‌ها و عکس‌های غیر اخلاقی معتاد شده‌اند و برای قبح‌زدایی از کار خویش، تلاش می‌کنند هم کلاسی‌های خود را نیز آلوده کنند تا در این امر احساس تنهایی نکنند. همچنین آنها با تعریف کردن مطالب مستهجن و به کار بردن الفاظ رکیک و دور از ادب در روابطشان با هم‌سن و سال‌های خود سعی می‌کنند نسبت به سنی که دارند خود را بزرگ‌تر جلوه دهند و فکر می‌کنند به این ترتیب نشان داده‌اند که از دانایی و توانمندی بیشتری نسبت به سایرین برخوردارند. اشاعه این رفتار و تشویق دیگران به همگونی با آنها به خوبی در حدیث امام علی علیه السلام مورد توجه قرار گرفته است. در این حدیث آمده است که این افراد کارهای زشت خود را زیبا جلوه می‌دهند تا بقیه دوستانشان را نیز همچون خود کنند.

در ادامه این بخش، برای آنکه نوجوانان بهتر بتوانند ویژگی این افراد را بشناسند، چند خصوصیت مطرح در این افراد بیان شده است : اول آنکه، آنها به راحتی گناهان خود را با آب و تاب برای دیگران مطرح می‌کنند؛ دوم اینکه، آنان بقیه را نیز مستقیم یا غیرمستقیم به انجام اعمال زشت تشویق می‌کنند؛ سوم آنکه، آنان به راحتی از کنار اشتباهات و گناهان دوست خود می‌گذرند و نه تنها تذکری به او نمی‌دهند بلکه با گفتار و حتی خندیدن، کار زشت و اشتباهش را تأیید می‌کنند.

بسیاری از نوجوانانی که در این سن درگیر رابطه با جنس مخالف، کشیدن سیگار، عادت‌های زشت اخلاقی و... شده‌اند، از طریق همین افراد به ظاهر دوست، گرفتار شده‌اند.

■ خیرخواه دوستانش باشد : یکی از اشتباهات رایجی که در میان دوستان نوجوان وجود دارد این است که گمان می‌کنند دوست خوب کسی است که هرچه از انسان سر می‌زند، چه درست و چه غلط، به او چیزی نگوید و همیشه یاور و مؤیدش باشد؛ بنابراین اگر دوستی تذکری به او بدهد رنجیده‌خاطر می‌شود. در این بخش بیان شده است که دوست خوب کسی است که دلسوز ما باشد و اگر دید در راهی که می‌رویم چاهی وجود دارد باید راه را از چاه به ما نشان دهد.

پس دوستی که عیب‌های ما را می‌گوید در حقیقت به دنبال بهتر شدن حال ما بوده و به سرنوشتمان حساس است. او می‌تواند بی‌تفاوت از کنار رفتارهای ما بگذرد، اما وقتی نسبت به سرنوشت ما حساسیت نشان می‌دهد ثابت می‌کند که دوست دلسوزی است و خوبی ما را می‌خواهد.

در اینجا می‌توان با توجه به حدیث امام صادق علیه السلام، این سؤال را از دانش‌آموز پرسید : «چرا امام از بیان

عیب‌های خود توسط دیگران، به گرفتن هدیه تعبیر کرده است؟»

■ **فعالیت کلاسی :** مسئله‌ای که در این فعالیت مطرح شده است یکی از چالش‌های جدی دانش‌آموزان است که در این سن با آن مواجه هستند؛ مثلاً دانش‌آموزان با خواندن معیارهای دوست خوب، به این نتیجه می‌رسند که برخی از کسانی که به عنوان دوست انتخاب کرده‌اند، مناسب نیستند و شرایط دوست خوب را ندارند. اما با این مشکل مواجه می‌شوند که چگونه بعد از این همه مدت، به این دوستی پایان دهند؟! این فعالیت خواسته است تا از زبان خود دانش‌آموز راهکارهایی ارائه شود تا اثرگذاری آن بیشتر شود. همچنین شما به عنوان یک دبیر بایستی راهکارهایی را مدنظر داشته باشید تا در صورت لزوم آنها را برای دانش‌آموزان بیان کنید. این راهکارها عبارت‌اند از :

۱ بهترین کار در این موارد این است که نوجوانان، ارتباط خود را با این افراد به تدریج کم کنند تا شاید آن افراد متوجه رفتار نامناسب و بد خود بشوند و از این طریق به فکر تغییر رفتارشان برآیند. قطع رابطه سریع در این مواقع، شاید واکنش مناسبی نباشد و هر دو طرف، آسیب عاطفی ببینند و فردی که رفتار مناسب ندارد، نفهمد که چرا دوستش از او دوری می‌کند. بنابراین، پیشنهاد کنید که کم‌کم از شدت این نوع دوستی‌ها بکاهند، مثلاً حتی المقدور از یک مسیر با هم به خانه نروند، تا آنجا که می‌توانند به منزل این افراد تردد نکنند، ساعات کمتری را با آنها بگذرانند و... این رفتار موجب می‌شود که آن افراد، یا رفتار بدشان را تغییر دهند و یا خودشان رابطه‌شان را با ما قطع کنند.

۲ برای اینکه نوجوان بتواند خلأ قطع رابطه با این قبیل افراد را پر کند و بر عزم خود برای عدم معاشرت با آنها جدی باشد، باید سعی کند تا ارتباط خود را با خدا تقویت کند، به نمازش بیش از گذشته اهمیت دهد، در برخی مراسم مذهبی مانند مجالس قرائت قرآن، دعا و توسل بیشتر شرکت کند، در مسجد حضور بیشتری داشته باشد و... این کارها کمک می‌کند تا خداوند به انسان در این امر یاری رساند و با یاد خدا و کسب آرامش، راحت‌تر به دوری از این هم‌نشینان و همراهان نامناسب، کنار بیاید.

■ **بیشتر بدانیم :** در این قسمت به برخی از نتایج دوستی‌های بدون معیار، پرداخته شده است. کسی که معیار دوستی خود را زیبایی دوست، باکلاس و به‌روز بودن او و یا حرف‌های قشنگش قرار می‌دهد و به ملاک‌های گفته شده در درس بی‌توجه است، به راحتی در دام کسانی می‌افتد که از دوستی، هدفی جز سودجویی یا تفریح ندارند. وقتی انسان کسی را به عنوان دوست خود انتخاب می‌کند، پس از مدتی آن چنان به او دل می‌بندد که بدی‌های او را نمی‌بیند و گاه بدی‌های او را نیز خوبی می‌شمارد. در این زمان فرد چشم‌وگوش‌بسته به دنبال این دوست می‌افتد و هر بی‌راهه‌ای را که او در آن پا بگذارد، وی نیز در آن قدم می‌گذارد. علاوه بر این، این تبعیت بی‌چون و چرا باعث می‌شود که برخی افراد سودجو به دنبال سوءاستفاده برآیند و دوستان خود را در منجلاب فساد وارد کنند.

■ حدود و وظایف دوستی

۱/ **احترام به دوست** : اولین وظیفه ما نسبت به دوستان، حفظ احترام آنان و رعایت ادب است. برخی گمان می کنند که به صرف دوستی با کسی، می توانند حریم ها را زیر پا بگذارند و به بهانه صمیمی بودن، هر حرفی را به دوست خود بزنند و هر رفتاری را با وی داشته باشند. این افراد به بهانه صمیمیت، القاب نامناسب به دوستان خود می دهند، او را مسخره می کنند، دست می اندازند و شوخی های نامناسب می کنند. این افراد توجه ندارند که شاید در کوتاه مدت دوستانشان واکنشی نشان ندهد، اما به تدریج از آنها دل زده می شود و بذره های کینه و نفرت در دل وی جوانه می زند و پس از مدتی به کمترین بهانه ای از آنها دل می کند.

۲/ **میانروی در دوستی** : نوجوانان به دلیل اقتضات سنی خود، از احساسات و عواطف بالایی برخوردارند و در عرصه دوستی که صحنه ابراز عواطف است، گاه از حدود و مرزها خارج می شوند و دچار افراط در این مسئله می شوند. بعضی از نوجوانان در این سن به حدی شیفته دوستان خود می شوند که نمی توانند لحظه ای از آنان دل بکنند و سعی می کنند تا آنجا که ممکن است همراه و کنار آنها باشند.

■ **فعالیت کلاسی** : اگرچه پاسخ این فعالیت، برعهده دانش آموزان گذاشته شده است اما دبیران محترم بایستی نقش اصلی را در جهت گیری درست این فعالیت ایفا کنند. بسیاری از دانش آموزان به دلیل سن خاصی که دارند، به نوعی با چنین دوستی های افراطی مواجه شده اند و از آثار آن باخبرند. بنابراین شایسته است تا از خود دانش آموزان بخواهیم در خصوص آثار و مضرات این گونه دوستی ها نظر بدهند و راه خارج شدن از چنین دوستی هایی را بیان کنند. اگر کسی دچار چنین دوستی هایی شود، بایستی برای خروج از این مسیر، موارد زیر را رعایت کند :

۱/ سعی کند تا بیش از گذشته به ارتباط با خدا روی بیاورد، یعنی نمازهای خود را به موقع بخواند، حداقل روزی یک صفحه قرآن با توجه به معنای آن تلاوت کند و حضور در مسجد و مکان های مذهبی را بیشتر کند. با خدا بودن باعث می شود تا عشق های دروغین و علاقه های افراطی از قلب انسان خارج شود و انسان قلب خود را از محبت خدا سرشار سازد.

۲/ بهتر است چنین افرادی به جای انتخاب یک دوست و علاقه ورزی بیش از حد نسبت به وی، دوستان متعددی انتخاب کنند و علاقه و محبت خود را بین آنان تقسیم کنند. این کار موجب می شود تا تعادل نسبی در محبت به دوستان برقرار شود. حضور در جمع سایر دوستان، اختصاص دادن وقت به گفت و گو با دیگر دوستان و... موجب می شود تا فرد خود را محصور در یک نفر نکند.

۳/ برای تعدیل علاقه و محبت انسان به دوستان، یکی از بهترین راه ها افزایش ارتباط با اعضای خانواده است. هرچه انسان رابطه صمیمانه تری با پدر و مادر و خواهر و برادر خود داشته باشد، کمتر گرفتار

علاقه‌های افراطی می‌شود. از این رو گاه لازم است تا دبیران صحبتی با اولیای چنین دانش‌آموزانی داشته باشند و از آنان بخواهند محبت بیشتری را نثار فرزندشان کنند.

۴ معمولاً افرادی بیشتر وارد چنین دوستی‌های افراطی می‌گردند که اعتماد به نفس پایین تری دارند. از همین جهت یکی از راه‌های درمان علاقه‌های افراطی، دادن اعتماد به نفس به این افراد است. باید از آنان خواست تا ویژگی و نکات مثبت شخصیتی خود را یادداشت کنند و هر روز نظری به آن بیندازند تا نقاط قوت خود را هر روز به یاد آورند. همچنین دبیران نیز می‌توانند با تکیه بر ویژگی‌های مثبت چنین افرادی، آنان را در افزایش اعتماد به نفس کمک کنند. هرچه اعتماد به نفس این افراد بالاتر رود، کمتر وارد چنین فضاهای عاطفی افراطی می‌شوند.

■ بیشتر بدانیم : این بیشتر بدانیم با توجه به یکی از مشکلات شایع در میان نوجوانان نگاشته شده است. یکی از مسائلی که باعث می‌شود نوجوان امروزی تن به دوستی‌های ناسالم بدهد، تنهایی وی است. به دلیل افزایش خانواده‌های تک فرزندی یا دو فرزندی و نیز اشتغال پدر و مادر و نداشتن فرصت کافی برای توجه به فرزندان، آنان احساس تنهایی می‌کنند و همین احساس را مجوزی می‌دانند تا برای رهایی از آن به گونه‌ای خود را سرگرم کنند. از همین رو، گاه خود را با ورود به فضاهای مجازی و دوستی با افراد مختلف مشغول می‌کنند. ورودی که در بسیاری از مواقع تبعات خطرناکی برای نوجوان دارد. آلوده شدن نوجوان به ارتباط با جنس مخالف، ورود به سایت‌ها و شبکه‌های غیراخلاقی، از بین رفتن حیا و گرایش به بی‌بند و باری برخی از نتایج ورود به شبکه‌های مجازی است.

از این رو، در این بخش با ذکر برخی از آثار این گونه برنامه‌ها، به راه حل مناسبی برای رهایی از این تنهایی اشاره شده است. انس با خدا و توجه به معنویات بهترین راه حلی است که قلب تشنه انسان را سیراب می‌کند و چه زیبا فرازهایی از دعا‌های پیامبر ﷺ و امام حسین علیه السلام آورده شده است که در آن خداوند به عنوان رفیق انسان‌های تنها معرفی شده است.

منابع برای مطالعه بیشتر

- ۱ روش دوست‌یابی، محمد الحیدری، بنیاد پژوهش‌های اسلامی.
- ۲ اخلاق معاشرت، جواد محدثی، بوستان کتاب قم.
- ۳ پشت دیوار ندامت، ابراهیم ایمانی‌فر، نشر کیهان.
- ۴ دوست اگر این گونه می‌بود، راضیه محمدزاده، نشر منیر.
- ۵ انسان‌های طلایی، عشق‌های مومیایی، حسین سروقامت، نشر تربیت اسلامی.

انقلاب اسلامی ایران

درس نهم

هدف کلی

تبیین برخی از ثمرات انقلاب اسلامی

اهداف جزئی

- مقایسه وضعیت کشور از نظر علمی، اقتصادی و سیاسی قبل و بعد از انقلاب
- تبیین علت رشد و پیشرفت کشور پس از انقلاب
- تبیین برخی از نقشه‌های دشمن برای مقابله با انقلاب اسلامی
- آگاهی از ابعاد مختلف تهاجم فرهنگی دشمن

ضرورت درس

دانش‌آموزان در درس پنجم با این نکته آشنا شدند که در عصر غیبت وظیفه هدایت و رهبری جامعه بر عهده اسلام‌شناسانی آگاه و توانمند است. همچنین دانش‌آموزان با مفهوم ولی فقیه آشنا شدند و درباره شخصیت امام خمینی علیه السلام مطالبی را فراگرفتند. این درس به نوعی در ارتباط با درس پنجم است و می‌خواهد انقلاب اسلامی را به‌عنوان حکومتی که در عصر غیبت با رهبری اسلام‌شناسی آگاه و وارسته شکل گرفت و درصدد پیاده کردن احکام دین است، معرفی نماید.

محورهای اصلی درس

- ۱ بی‌کفایتی حکومت‌های گذشته در حفظ و نگهداری خاک میهن
- ۲ مقایسه وضعیت کشور از نظر علمی، سیاسی، بهداشت و... در دوران فعلی با دوران پیش از انقلاب
- ۳ ایجاد روحیه خودباوری در میان مردم به برکت انقلاب اسلامی
- ۴ نقشه‌های دشمنان در عرصه‌های اقتصادی و فرهنگی برای به زانو درآوردن انقلاب اسلامی

۵ تهاجم فرهنگی به عنوان آخرین و مخرب ترین حربه دشمن برای شکست انقلاب اسلامی

این درس به این پرسش ها پاسخ می دهد :

- ۱ انقلاب اسلامی چه آثاری برای کشور ما داشت؟
- ۲ وضعیت کشور در دوران قبل از انقلاب چگونه بود؟
- ۳ علت این همه تحریم و فشار دشمن چیست؟
- ۴ خطرناک ترین توطئه دشمن علیه کشور چیست؟

تحلیل اجزای درس

■ ورودیه : ورودیه این درس به شرح یکی از بزرگ ترین خیانت هایی می پردازد که در دوران حکومت های پادشاهی در حق کشورمان انجام شد. این خیانت چیزی نبود جز جدا کردن بخش های گسترده ای از کشور ما. کافی است نگاهی به قرارداد های ننگین امضا شده در دوران حکومت قاجار و پهلوی بیندازیم تا متوجه عمق این خیانت بشویم. جالب آنکه بسیاری از این جداسازی ها بدون کوچک ترین جنگی و تنها با امضای یک قرارداد بوده است؛ به عنوان مثال در سال ۱۳۵۰ شمسی، با امضای محمدرضا شاه پهلوی، بحرین که جزئی از سرزمین ما بود، به راحتی از ایران جدا گردید.

در ادامه این نکته مطرح می شود که اگرچه ما در دوست سال گذشته بخش های بزرگی از کشورمان را واگذار کردیم اما در دوران پس از انقلاب با آنکه صدام با همکاری بسیاری از کشورهای غربی علیه ایران متحد شده بودند (در زمان جنگ سی و شش کشور به طرق گوناگون همچون کمک های مالی، نظامی، اطلاعاتی و... با صدام علیه ایران همکاری داشتند) اما پس از هشت سال جنگ نتوانستند حتی یک وجب از خاک میهن را در اختیار بگیرند. این ورودیه به همراه نقشه ابتدای درس دارای نکات بسیاری است که برخی از آنها عبارت اند از :

- ۱ بسیاری از این مناطق جدا شده توسط حکومت های شاهنشاهی، بدون کوچک ترین جنگی واگذار شده است در حالی که پس از انقلاب با هشت سال جنگ نیز نتوانستند ذره ای از خاک کشور را جدا کنند.
- ۲ هنگام جدا شدن بخش های مختلف کشور، پادشاهان ایران تنها با یک کشور استعمارگر مانند انگلیس یا روسیه مواجه بودند، اما در دوران جنگ بیش از سی کشور مقابل ایران ایستاده بودند. کشورهایی همچون آمریکا، انگلیس، آلمان، فرانسه که از صدام حمایت تسلیحاتی و اطلاعاتی می کردند و کشورهای همچون عربستان، کویت، اردن و... که حمایت مالی می نمودند.
- ۳ تمامی این جداسازی ها در دوران حکومت پادشاهان بود اما در دوران رهبری اسلام شناسی چون امام خمینی علیه السلام حتی ذره ای از خاک میهن جدا نشد.

■ **مقایسه دیروز با امروز :** یکی از ترفندهای دشمنان برای کم ارزش جلوه دادن انقلاب مردم ایران، القای این مطلب است که پس از انقلاب، کشور هیچ پیشرفت و تحولی نداشت و ایران پیش از انقلاب به مراتب بهتر و پیشرفته تر بود. دشمنان برای رسیدن به این هدف سعی دارند با ارائه چهره‌ای زیبا از دوران ستم‌شاهی برای جوانانی که آن دوران را درک نکرده‌اند، این باور غلط را در ذهن آنان القا کنند که این انقلاب حرکتی رو به عقب برای کشور بوده است.

برای مقابله با این ترفند لازم است تا دبیران محترم با ترسیم چهره واقعی کشور در دوران ستم‌شاهی و بیان عقب‌ماندگی‌های کشور در عرصه‌های علمی، سیاسی، اقتصادی، نظامی و... به بیان دستاوردهای کشور پس از پیروزی انقلاب اسلامی بپردازند. دستاوردهایی که به عمد از سوی رسانه‌های غرب انعکاس داده نمی‌شود تا مبدا این نظام و انقلاب به الگویی برای سایر کشورها بدل شود.

آنچه که در این بخش در خصوص وضعیت کشور در دوران حکومت پهلوی بیان شده است، تنها بخش کوچکی از وقایع آن دوران است که همگی متکی بر اسناد و آمار است که از سوی دولتمردان آن زمان بیان شده است.

■ **فعالیت کلاسی :** این فعالیت در حقیقت به دنبال آماده‌سازی ذهن دانش‌آموز برای ورود به بحث مهم بعدی یعنی نقشه‌های دشمن برای نابودی این انقلاب است. در این فعالیت سؤال شده است که آیا دشمنی که سال‌ها در کشور ما به غارت منابع و ثروت‌های ما مشغول بود به راحتی دست از سر این کشور خواهد داشت؟ در این قسمت دانش‌آموزان با استفاده از اطلاعاتی که از منش کشورهای استعمارگر دارند و با ذکر نمونه‌های تاریخی که خوانده یا شنیده‌اند به بیان برخی از برنامه‌های دشمن برای به زانو درآوردن کشورها خواهند پرداخت. در این میان باید از آنها پرسید که دشمنان برای کشور ما چه برنامه‌هایی را تدارک دیده‌اند. این سؤال و پاسخ‌های دانش‌آموزان زمینه ورود به بحث بعد را فراهم می‌کند.

■ **بیشتر بدانیم :** در این فعالیت، یکی از توانمندی‌های کشورمان در عرصه نظامی تشریح شده است تا دانش‌آموزان به صورت عینی با گوشه‌ای از قدرت نظامی ایران آشنا شوند. قدرتی که توان هم‌اوردی با قدرت‌های بزرگ نظامی دنیا را دارد.

■ **نقشه‌های شیطانی :** در این قسمت به بیان برخی از برنامه‌های دشمن برای مبارزه با انقلاب اسلامی پرداخته شده است. در ابتدای این بخش مثالی از توطئه‌های دشمن در زمان پیامبر زده شده تا این نکته را به دانش‌آموزان منتقل کند که هر زمان گروهی برای مبارزه با طاغوت قیام کنند، دشمنان بی‌کار نمی‌نشینند و از هر روشی برای نابودی این گروه استفاده می‌کنند.

برای نمونه تحریم‌هایی که امروزه علیه کشور ما وضع می‌شود در زمان پیامبر نیز توسط سران کفر برای آن حضرت وضع شد و سال‌های سختی را برای پیامبر و یارانشان رقم زد.

در قسمت بعدی این بخش به چند برنامه دشمن برای ضربه زدن به کشور ما اشاره شده است که به محض پیروزی انقلاب اسلامی از سوی دشمنان، طرح ریزی و اجرا شد. اولین برنامه، تحریم اقتصادی کشور بود که از همان سال‌های ابتدایی انقلاب آغاز و تاکنون نیز ادامه دارد. دومین برنامه، راه‌اندازی جنگی تمام عیار علیه ملت بود که به مدت هشت سال تمام سرمایه‌های مملکت را هدف گرفت و علاوه بر خسارت‌های مادی فراوان باعث به شهادت رسیدن حدود سیصد هزار نفر از مردم کشور شد.

سومین برنامه آنان ترور مقامات و مسئولان کشور و نیز مردم عادی بود تا زمینه‌های جنگ داخلی را در کشور ایجاد کند. اما مهم‌تر از همه اینها، ترغیبی است که دشمن پس از شکست در همه این عرصه‌ها به کار گرفت، یعنی تهاجم فرهنگی.

■ بیشتر بدانیم: این قسمت به شرح یکی از عبرت‌آموزترین حوادث تاریخ اسلام می‌پردازد. شکست مسلمانان در اندلس پیام‌های زیادی برای ما دارد. روش‌هایی که در آن روز توسط دشمنان برای ضربه زدن به مسلمانان به کار گرفته شد، امروزه نیز توسط نسل به جای مانده از آنان در حال به کارگیری است. ترویج بی‌بند و باری با استفاده از زنان هرزه، عرضه مشروبات الکلی، مشغول کردن جوانان به تفریحات ناسالم و... نمونه‌هایی است که امروز نیز توسط دشمن دنبال می‌شود که اگر هوشیار نباشیم، خدای ناکرده ممکن است به همان سرنوشت اجداد خود دچار شویم.

■ شبیخون فرهنگی: خطرناک‌ترین حربه دشمن برای نابودی نظام اسلامی که با قوت و شدت تمام در حال اجراست، هجمه گسترده فرهنگی به دین و ارزش‌های دینی است. دشمنان که فهمیده‌اند ریشه این همه مقاومت از سوی ملت ایران، پابندی آنها به دین و ارزش‌های دینی است، در آخرین گام برای مقابله با جمهوری اسلامی، جنگ گسترده‌ای را برای کم‌رنگ کردن اعتقادات مردم شروع کرده‌اند و می‌دانند که اگر در این جنگ به پیروزی برسند و مردم اعتقادات خود را از دست دهند، دیگر حاضر نخواهند بود تا با جان و مال خود در برابر آنها بایستند.

نکته مهم در این بخش درس این است که سعی شده با بیان سؤال‌های چالش برانگیز و قابل تأمل، دانش‌آموزان خود به حقیقت این تهاجم بی‌بیرند، نقش دیران در این قسمت فراهم آوردن زمینه‌های لازم در کلاس برای پاسخ به این سؤالات توسط خود دانش‌آموزان است. از آنان پرسید که واقعاً دشمنی که حتی داروی بیماران صعب‌العلاج را بر ما تحریم می‌کند و باعث مرگ ده‌ها نفر از هم‌وطنان می‌شود، دلسوز ماست که این همه برنامه تفریحی رایگان در ماهواره برای ما تولید می‌کند؟ آیا کشورهایی که به ما گندم نمی‌دهند تا کاری کنند که مردم این کشور از گرسنگی بمیرند، دلشان برای شادی و سرگرمی ما سوخته است که حاضرند ده‌ها شبکه رایگان را برای ما ایجاد کنند؟ آیا آمریکایی که هر روز با وضع تحریم‌های جدید، زندگی را بر مردم سخت می‌کند، علاقه‌ای به ما دارد که این همه امکانات برای تأسیس برنامه‌های ماهواره‌ای برای ما خرج می‌کند؟

هر انسان تیزهوش گواهی می‌دهد که به یقین کسی که با تحریم هواپیما و گندم و دارو و... به دنبال مرگ و نابودی ماست حتماً در برنامه‌های تفریحی‌اش هم هدفی جز نابودی ما ندارد؛ نابودی دین، عقیده، ایمان و اخلاق ما. او می‌داند که مردمی که سرگرم برنامه‌های هرز و فاسد آنان شوند دیگر حاضر نیستند در راه دفاع از دین، از جان خود بگذرند و خود به خود سر تسلیم فرو می‌آورند. منتها آنها این سم خطرناک را درون غذای خوشمزه‌ای به نام ماهواره و اینترنت و فیلم و... ریخته‌اند تا کسی متوجه باطن مرگ‌آفرین آن نشود.

■ **فعالیت کلاسی :** در این فعالیت، دانش‌آموزان بایستی با همفکری دوستان خود، راه مقابله با نقشه‌های دشمن برای شکست ایران اسلامی را در عرصه‌های علمی، اقتصادی، سیاسی، نظامی، فرهنگی و... توضیح دهند، مثلاً راه مقابله با ترفند دشمن در عرصه تهاجم فرهنگی، آگاهی از نقشه‌های آنان در این عرصه و نیفتادن در دام آنهاست. اگر بدانیم که ماهواره ابزار دشمن است، به راحتی آن را داخل خانه نمی‌آوریم، اگر بدانیم بسیاری از شبکه‌های اجتماعی که توسط دشمنان راه‌اندازی می‌شود، برای ترویج بی‌بند و باری و فساد است، محتاطانه با آن برخورد می‌کنیم. اگر بدانیم دشمن به دنبال تضعیف باورهای دینی ماست، در راه تقویت دین خود بیش از پیش تلاش می‌کنیم و...

منابع برای مطالعه بیشتر

- ۱ ظهور و سقوط سلطنت پهلوی، حسین فردوست.
- ۲ دانستنی‌های انقلاب اسلامی برای جوانان، مرکز اسناد انقلاب اسلامی.

مسئولیت همگانی

درس دهم

هدف کلی

آشنایی با فریضهٔ امر به معروف و نهی از منکر به عنوان وظیفه‌ای دینی و اجتماعی

اهداف جزئی

- به دست آوردن درک صحیح از نیاز جامعه به نظارت همگانی به علت داشتن سرنوشت مشترک
- گرایش به دعوت دیگران به کارهای نیک و پرهیز از کارهای ناپسند
- آگاهی از آثار ترک امر به معروف و نهی از منکر
- آشنایی با شیوه‌های امر به معروف و نهی از منکر

ضرورت درس

متأسفانه به دلیل برخی اقدامات نادرست در حوزهٔ امر به معروف و نهی از منکر و نیز تلاش برخی افراد مغرض برای بد جلوه دادن این واجب الهی، امروزه این فریضه آن گونه که باید جایگاهی در میان جامعهٔ ما ندارد؛ این در حالی است که در روایات امر به معروف و نهی از منکر جزء واجبات درجه اول شمرده شده است. از این رو، لازم است تا با تبیین صحیح فریضهٔ امر به معروف و نهی از منکر و همچنین زدودن برخی ابهامات از چهرهٔ آن، این نکته را به دانش‌آموزان آموزش دهیم که امر به معروف و نهی از منکر، نظارت همگانی افراد یک جامعه به منظور حرکت آن جامعه در مسیر درست است؛ نظارتی که در بسیاری از جوامع دیگر با شکل و عناوین دیگری، وجود دارد.

محورهای اصلی درس

- ۱ نیاز جامعه به نظارت همگانی به علت داشتن سرنوشت مشترک
- ۲ وظیفهٔ مضاعف مؤمنان نسبت به سرنوشت جامعه

- ۳ آثار ترک امر به معروف و نهی از منکر
- ۴ برخی شیوه‌های امر به معروف و نهی از منکر

این درس به این پرسش‌ها پاسخ می‌دهد :

- ۱ آیا امر به معروف و نهی از منکر فقط در مورد مسائل دینی جامعه است یا دامنه گسترده‌تری دارد؟
- ۲ آیا امر به معروف و نهی از منکر دخالت در کار دیگران نیست؟
- ۳ کار دیگران چه ارتباطی به من دارد و من چرا باید دیگران را امر به معروف کنم؟
- ۴ امر به معروف و نهی از منکر وظیفه چه کسانی است؟
- ۵ اگر امر به معروف و نهی از منکر نکنیم، چه اتفاقی می‌افتد؟
- ۶ آیا همه را باید به یک شکل امر به معروف و نهی از منکر کنیم؟

تحلیل اجزای درس

■ ورودیه : هدف این ورودیه، تغییر نگرش در مخاطبان نسبت به گستره امر به معروف و نهی از منکر است، زیرا بسیاری از افراد گمان می‌کنند دامنه این فریضه فقط در خصوص موضوعات دینی همچون نماز، روزه، حجاب و... است و به سایر موارد تعلق نمی‌گیرد. در این قسمت، نمونه‌هایی ذکر شده است تا به دانش‌آموزان این نکته را بیاموزد که دامنه امر به معروف و نهی از منکر بسیار گسترده است؛ از تذکر دادن به دوستان در انجام بهتر فرایض دینی‌شان گرفته تا تذکر دادن به یک بازاری به دلیل گران‌فروشی یا اذکار راننده‌ای که خودرویش دود می‌کند، همه مصادیقی از انجام این فریضه است.

پس اگر مثلاً من به افرادی که در خیابان زباله می‌ریزند یا کسانی که در جنگل آتش روشن می‌کنند، تذکر دهم در زمره ناهیان از منکر هستم.

در ادامه این ورودیه به برخی از توجیه‌ها و بهانه‌هایی که توسط برخی از افراد در قبال مشاهده ناهنجاری‌ها بیان می‌شوند، اشاره شده است، مثلاً عده‌ای می‌گویند : به من چه؟ گفتن من چه فایده‌ای دارد؟ و... در حقیقت در این قسمت، این توجیه‌ها که ممکن است توسط خود ما هم بیان شود، مطرح می‌گردد تا دانش‌آموزان با کمک فعالیت کلاسی درباره میزان درستی این سخنان به فکر فروروند.

■ فعالیت کلاسی : هدف این فعالیت، تفکر دانش‌آموزان در خصوص برخی توجیهاتی است که معمولاً از سوی برخی از افراد، به منظور فرار از وظیفه امر به معروف و نهی از منکر، بیان می‌شود. دانش‌آموزان با بحث در گروه خود باید بیان کنند که آیا واقعاً این دلایل برای ترک امر به معروف و نهی از منکر پذیرفتنی است، مثلاً اگر کسی بگوید به من چه، می‌تواند از بار مسئولیت خود، شانه خالی کند؟ آیا کسی می‌تواند

نسبت به آلوده کردن هوا و یا محیط زیست با بیان اینکه «به من چه ارتباطی دارد؟» بی تفاوت باشد، با وجود آنکه آلوده کردن محیط زیست کاملاً با سرنوشت من و جامعه من در ارتباط است؟

و یا اگر کسی بگوید: «گفتن من چه فایده‌ای دارد؟ او به این کار عادت کرده است»؛ پاسخ او این است که اگر من و هر کسی که خطایی می‌بیند تذکر دهد، فرد خاطی با دیدن واکنش افراد جامعه نسبت به خطای خود، متنبه می‌شود و متوجه می‌شود که انجام خطای او مورد سرزنش و تذکر جامعه است و ناچار به ترک عمل بد خود می‌شود و یا اینکه حداقل، افراد خاطی با خیال راحت و آسوده، خطای خود را تکرار نمی‌کنند و نگران چشمان ناهیان از منکر در جامعه خواهند بود.

■ امر به معروف و نهی از منکر: در این قسمت با استفاده از مثال کشتی، به تبیین ارتباط افراد جامعه با یکدیگر و اثرپذیری از هم و مسئولیت مشترکی که از این ارتباط پیدا می‌شود، پرداخته می‌شود، چرا که همه ویژگی‌هایی که برای ساکنان کشتی در درس مطرح شده است، به صورت پررنگ تری برای جامعه اسلامی هم وجود دارد. به عنوان نمونه:

■ همان‌طور که کشتی مقصد و هدفی دارد، جامعه اسلامی نیز به سوی هدف مشخصی در حال حرکت است و هدف آن حرکت در جهت نزدیک شدن به خدا از طریق عمل به دستورات اوست.

■ همان‌طور که کشتی نمی‌تواند چند هدف و جهت مخالف هم داشته باشد، جامعه اسلامی نیز نمی‌تواند در چند جهت مخالف پیش برود. از همین رو، باید از کارهایی که در تعارض با هدف و جهت اصلی کشتی است و ممکن است به تغییر جهت کشتی منجر شود، جلوگیری کرد.

■ همان‌طور که حفظ امنیت و سلامتی کشتی برای رسیدن به مقصد برعهده همه ساکنان کشتی است، حفظ امنیت و سلامت جامعه نیز برعهده همه مردم است.

■ همان‌طور که اختصاصی بودن جا و برخی وسایل کشتی این حق را به کسی نمی‌دهد که هرگونه که میل دارد از آنها استفاده کند، در جامعه نیز افراد حق ندارند که به بهانه استقلال فردی، دست به هر کاری بزنند و مثلاً بگویند: «من هر جور بخواهم لباس می‌پوشم، چون این یک مسئله شخصی است و مربوط به خودم می‌شود.»

نکته قابل توجه این است که حتی کارهای شخصی افراد هم در جامعه تأثیر دارد؛ مثلاً کسی که در منزل خود، عبادت خدا را با اخلاص به جا می‌آورد و یاد خدا را تمرین می‌کند، در بیرون از خانه و در ارتباط با مردم نیز خدا را فراموش نمی‌کند. کسی که فرزند خود را خوب یا بد تربیت می‌کند و یا با همسرش رابطه خوب یا بدی دارد، به صورت‌های گوناگون در جامعه اثر می‌گذارد.

■ همان‌گونه که سپردن هدایت کشتی به ناخدای خیره و وظیفه‌شناس و کمک به او بهترین راه رسیدن کشتی به مقصد است، سپردن جامعه اسلامی به دست رهبری آگاه و خیره در مسائل دین و عمل به خواسته‌های

او، بهترین راه برای سالم رساندن جامعه به مقصد خویش است. رهبر جامعه اسلامی در مرتبه اول، پیامبر ﷺ و ائمه اطهار (علیهم السلام) و در مرتبه بعد، فقیهان و مجتهدان هستند.

در این بخش از درس سعی شده تا با بیان این نکته که رفتار هریک از افراد جامعه بر سرنوشت همه جامعه اثرگذار است، از حس خوددوستی افراد استفاده شود تا به این وظیفه همگانی ترغیب شوند، چون معمولاً برخی از انسان‌ها تا در کاری منفعت شخصی خود را نبینند و یا برای منافع خود احساس خطر نکنند، تن به کاری نمی‌دهند. از این رو، ابتدا از این باب وارد بحث شده‌ایم که نوع رفتارهای انسان‌ها کاملاً با زندگی و حتی سرنوشت ما در ارتباط است و بی‌توجهی به رفتارهای دیگران ممکن است زندگی ما را با خطراتی مواجه کند. پس از بیان این مرحله، برای سوق دادن مخاطبان به سمت توجه به این فریضه، بحث را از نگاه بالاتری دنبال می‌کنیم و آن هم وظیفه مؤمنان در قبال یکدیگر است. در اینجا دیگر سخن از حس خوددوستی نیست، بلکه سخن از احساسی متعالی است که در وجود انسان‌های مؤمن وجود دارد، یعنی حس مسئولیت در قبال دیگران. انسان‌های خدا جو همان‌گونه که سعادت و خوشبختی را برای خود می‌خواهند، به دنبال سعادت دیگران نیز هستند و در برابر آنچه که آنها را از مسیر سعادت دور کند، می‌ایستند. اگر آنها رفتاری را از کسی ببینند که فرد را از مسیر سعادت دور می‌کند، بر اساس همین احساس مسئولیت به او تذکر می‌دهند؛ اگر ببینند فردی کار خوبی را که می‌تواند منجر به رشد او شود، ترک کرده است، او را به آن کار خیر دعوت می‌کنند. بنابراین، امر به معروف و نهی از منکر با هر نوع نگاهی که به آنها داشته باشیم، اموری ضروری و لازم‌اند.

■ آثار ترک امر به معروف و نهی از منکر : در این قسمت به برخی از آثار ترک امر به معروف و نهی از منکر در جامعه اشاره شده است. آثاری که هم در زندگی دنیوی و هم در زندگی اخروی اثرگذارند. دانش‌آموزان باید بدانند که امر به معروف و نهی از منکر همچون نماز، روزه، حج و...، جزء واجبات دین است و همان‌طور که اگر کسی این واجبات را ترک کند، از برکات الهی در دنیا و آخرت محروم می‌شود، ترک این دو واجب نیز منجر به دور شدن جامعه از رحمت الهی می‌شود. متأسفانه در جامعه امروز ما نیز شاهد آن هستیم که برخی از این آثار در حال تحقق یافتن است؛ از کارهای زشتی که متأسفانه در نظر مردم، عادی یا حتی خوب جلوه می‌کنند تا نعمت‌های الهی که از جامعه ما در حال رخت پر بستن است.

■ فعالیت کلاسی : هدف این فعالیت این است که از زبان دانش‌آموزان برخی از آثار بی‌توجهی به نهی از منکر بیان شود. در این میان، اشاره به یکی از گناهان رایج در میان ما یعنی غیبت، می‌تواند هم از میزان ارتکاب به این گناه بکاهد و هم این انگیزه را در مخاطب ایجاد کند که به محض انجام غیبت توسط دیگران، تذکر لازم را بدهد.

■ شیوه‌های امر به معروف و نهی از منکر : مثالی که در این بخش ارائه شده به دنبال تذکر این نکته است که در امر به معروف و نهی از منکر با هر کس باید به روش خودش برخورد کرد. بعضی افراد تنها با زبان

ملازم، تشویق به کاری می‌شوند و برخی با انداز. از این رو، بهتر است به این نکته که در درس هم به آن اشاره شده است، توجه کنیم که هدف ما در امر به معروف و نهی از منکر این است که دیگران را به کار خوب تشویق کنیم و از کار بد بازداریم؛ پس هر وسیلهٔ مشروعی که ما را در رسیدن به این هدف کمک کند، مطلوب است. برای هرچه بهتر رسیدن به این هدف، علاوه بر نکات کتاب، موارد ذیل پیشنهاد می‌شود:

۱ آگاهی بخشیدن: یکی از مهم‌ترین عوامل هدایت انسان، شناخت حقایق است. بسیاری کسانی که از آثار و خطرات گناه و خلاف خود آگاهی لازم را ندارند و به مجرد اینکه از این زیان‌ها آگاه شوند، آن را ترک می‌کنند.

۲ تدریجی بودن: مرحله‌ای و تدریجی بودن نزول احکام الهی از سنت‌های خداوند در قانون‌گذاری است. پیامبر به فرمان خداوند، نهی از برخی منکرات را به تدریج و در چند مرحله انجام داده‌اند. این توقع نایجابی است که انتظار داشته باشیم کسانی که در گناه فرو رفته‌اند، به یک‌باره اصلاح شوند و به همهٔ توصیه‌های دین، عمل کنند.

۳ توجه به خوبی‌ها در کنار بدی‌ها: در انتقاد و نهی کردن، تنها نباید کاستی‌ها و بدی‌ها را دید. خوب است در ابتدای امر به معروف و نهی از منکر، ابتدا نقاط قوت را بازگو کنیم و سپس تذکر بدهیم، مثلاً بگوییم: حیف نیست شما که این خوبی‌ها را دارید، این کار زشت را انجام می‌دهی؟!

۴ فعالیت کلاسی: در این فعالیت به آخرین مرحله از مراحل نهی از منکر اشاره شده است. توضیح اینکه برخی از افراد به دلیل خوگرفتن به برخی از جرائم و گناهان به هیچ وجه حاضر به ترک کار خویش نیستند. این افراد نه نصیحت می‌پذیرند و نه با اخم و غضب ما دست از کار خویش برمی‌دارند. در این گونه موارد باید دست به نهی از منکر عملی زد؛ یعنی با به‌کارگیری زور، فرد را از عمل به آن کار باز داشت. البته این مرحله دیگر جزو وظایف ما نیست و وظیفه نهادهای حاکمیتی همچون نیروی انتظامی است. تنها کاری که ما باید بکنیم این است که اگر در اطراف خود چنین افرادی را می‌شناسیم به مراجع قانونی معرفی نماییم.

۵ چند نکته مهم: در این بخش چند توصیه در خصوص بحث امر به معروف و نهی از منکر بیان شده است. نکته اول به دنبال بیان این مطلب است که حفظ آبروی افراد در بحث امر به معروف و نهی از منکر بسیار مهم است و باید سعی کرد تا این فریضه به گونه‌ای انجام شود که موجب بی‌آبرو شدن فرد نشود؛ چرا که نمی‌شود به بهانهٔ نهی از منکر، منکر بزرگ‌تری که همان لطمه زدن به آبروی مسلمان است را مرتکب شد. نکته دوم هم دارای پیام مهمی است. بسیاری از افراد به بهانهٔ اینکه من خود سرتاپا گناهم و حرفم تأثیری ندارد، از زیر بار مسئولیت شانه خالی می‌کنند، در حالی که گناهکار بودن نمی‌تواند توجیه مناسبی برای ترک این فریضه باشد. در روایات نیز گفته نشده است که اگر گناهکاری می‌توانی این واجب را ترک کنی. تنها نکته‌ای که وجود دارد این است که اگر انسان خودش نیز عامل به حرف‌هایش باشد میزان تأثیر گفته‌هایش

مضاعف می شود نه اینکه اگر عامل نبود حرفش هیچ تأثیری نخواهد داشت. نکته سوم نیز درصدد بیان این مطلب است که صرف اینکه بگوییم می دانم که حرف هایم تأثیر ندارد، نمی تواند دلیلی برای ترک امر به معروف و نهی از منکر باشد؛ زیرا حتی اگر حرف ما هیچ تأثیری هم نداشته باشد، همین که ما به وظیفه دینی خود عمل کرده ایم از اجر و پاداش الهی بهره مند شده ایم و این خود توفیقی بزرگ است.

■ **فعالیت کلاسی :** حال که دانش آموز با شیوه های امر به معروف آشنا شده است و برخی از نکات را در خصوص اجرای هر چه بهتر این فریضه یاد گرفته است، فعالیتی به منظور نهادینه کردن این مطالب طراحی شده است. دانش آموزان باید به ورودیه درس مراجعه کنند و بگویند بهترین راه برای برخورد با هریک از پنج مورد منکر ذکر شده در این ورودیه چیست.

دانستنی های معلم

۱ حدیثی از پیامبر در منزلت آمرین به معروف و ناهین از منکر :
پیامبر ﷺ : آیا شما را از کسانی خبر دهم که نه از انبیا هستند و نه از شهدا ولی مردم به مقام و جایگاه آنان در پیش خدا که بر منبرهایی از نورند، غبطه می خورند؟ سؤال شد، ای رسول خدا آنان چه کسانی هستند؟ پیامبر فرمود : آنان کسانی هستند که بندگان خدا را محبوب خدا و خدا را محبوب بندگانش می گردانند. سؤال شد معنای محبوب گردانیدن خدا در پیش بندگانش معلوم است اما چگونه بندگان خدا را محبوب خدا می گردانند؟

پیامبر در جواب فرمودند : به چیزی که خداوند متعال دوست دارد دعوت می کنند و از چیزی که خداوند متعال بدش می آید، نهی می کنند، پس هنگامی که بندگان خدا، او را اطاعت می کنند، محبوب خدا می گردند و خداوند متعال آنان را دوست می دارد. (مستدرک الوسائل، ج ۲، ص ۱۸۲)

۲ جملاتی از شهید مطهری در خصوص «امر به معروف و نهی از منکر» :
■ در سابق شعاع دید مسلمین امتداد بیشتری داشته و امر به معروف و نهی از منکر را محدود نکرده بودند به چهار تا مسئله عبادات، بلکه این اصل را عملاً ضامن همه اصطلاحات اخلاقی و اجتماعی خود می دانسته اند. (مجموعه آثار، ج ۲۰، ص ۱۹۶)

■ همان طور که وقتی انسان به سفارش ها و توصیه های پیشوایان دینی مراجعه می کند و یا به تاریخ دور این اصل مراجعه می کند، متأثر و متأسف می شود که چرا این اصل امروز عملی نیست، وقتی هم که درباره منظره های هولناک و وحشیانه ای که در این اواخر به نام امر به معروف و نهی از منکر پیدا می شده فکر می کند، خدا را شکر می کند که چه خوب شد که این امر به معروف ها و نهی از منکرها از بین رفت و ای کاش اگر بقایایی هم دارد از بین برود. مظاهری در این اواخر به نام امر به معروف و نهی از منکر در زندگی

اجتماعی ما پیدا شده که باید گفت اگر معنای امر به معروف و نهی از منکر این است، خوب است متروک بماند. (مجموعه آثار، ج ۲۰، ص ۱۹۸)

■ در اخبار وارد شده که امر به معروف و نهی از منکر، سه مرحله و سه مقام دارد: مرحله قلبی، مرحله ید و عمل. ما معمولاً از مرحله قلب به جای آنکه اخلاص و حسن نیت و علاقه به سرنوشت مسلمانان را درک کنیم، جوش و خروش و عصبانیت‌های بیجا می‌فهمیم؛ و از مرحله زبان به جای آنکه بیان‌های روشن‌کننده و منطقی بفهمیم که قرآن می‌فرماید: *أَدْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحُكْمَةِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ*، موعظه‌ها و پندهای تحکم‌آمیز می‌فهمیم؛ و از مرحله ید و عمل هم به جای آنکه تبلیغ عملی و حسن عمل و همچنین تدابیر عملی بفهمیم، تنها این مطلب را فهمیده‌ایم که باید اعمال زور کرد. (مجموعه آثار، ج ۲۰، صص ۲۰۱-۲۰۰)

■ گذشته از اینکه ما در اجرای امر به معروف و نهی از منکر باید عمل را دخالت دهیم، به این نکته توجه داشته باشیم که عمل هم اگر فردی باشد، چندان مفید فایده نیست، خصوصاً در دنیای امروز. این هم خود یک مشکلی است در زندگی اجتماعی ما که آنهایی هم که اهل عمل می‌باشند، توجهی به عمل اجتماعی ندارند و به اصطلاح «تک‌رو» می‌باشند. از عمل فردی کاری ساخته نیست، از فکر فرد کاری ساخته نیست... همکاری و همفکری و مشارکت لازم است. (مجموعه آثار، ج ۲۰، ص ۲۰۴)

■ چیزی که بیش از هر چیز دیگر مورد غفلت است، دخالت منطق است در این کار. مقصود این است که در کار معروف و منکر باید تدابیر عملی اندیشید و باید دید چه طرز عملی مردم را نسبت به فلان کار نیک تشویق می‌کند و مردم را از فلان عمل زشت باز می‌دارد. چندی پیش در یکی از روزنامه‌های عصر مقاله‌ای خواندم تحت عنوان «خوارها پند و نصیحت». در آن مقاله بعد از آنکه نوشته بود که در کشور ما خوارها پند و نصیحت به صورت‌های مختلف ولی بی‌اثر است این مثل را ذکر کرده بود: «یک جو درمان بهتر از صد خروار نسخه است.» بعد نوشته بود: چندین سال پیش در یکی از شهرهای کوچک واقع در ایالت فیلادلفیا، زن‌ها مبتلا به قماربازی شده بودند. ابتدا کشیش‌ها و روزنامه‌نویس‌ها و خطبا و فصحا تا می‌توانستند راجع به بدی قمار خصوصاً برای زن‌ها گفتند و نوشتند، ولی مثل همین حرف‌های خودمانی مانند گردو روی گنبد سرخورد و پایین افتاد و به جایی نرسید، تا آنکه شهردار محل به فکر افتاد یکی دو تا باشگاه و نمایشگاه هنری زنانه دایر کند و سرگرمی‌های مناسب در آنجا فراهم نماید، از قبیل جایزه دادن به مادران کاردان، کارهای دستی و... که هر کدام برنامه و ترتیبات خاصی داشت و مردم را سر ذوق می‌آورد. دو سه سالی از این جریان گذشت که زن‌های آن شهر به کلی قمار را فراموش کردند. این را می‌گویند چاره عملی و تدبیر عملی. این معنای دخالت دادن منطق و تدبیر است در مبارزه با منکرات. اگر آنها می‌خواستند به موعظه‌ها و خطابه‌های کشیشان و مقاله‌ها و روزنامه‌ها قناعت کنند می‌بایست برای همیشه بنشینند و مثل ما بگویند:

گوش اگر گوش تو و ناله اگر ناله من آنچه البته به جایی نرسد فریاد است

۳ مایکل آلن کوک، یکی از نویسندگان و محققان برجسته آمریکایی در حوزه اسلام‌شناسی است. او در حال حاضر، استاد دانشگاه پرینستون بوده و به عنوان یک اسلام‌شناس طراز اول غربی شناخته می‌شود. وی کتابی به نام «امر به معروف و نهی از منکر در اندیشه اسلامی» تألیف کرده که به فارسی نیز ترجمه شده است. این کتاب حاصل پانزده سال تحقیق و نتیجهٔ مراجعه به حدود دو هزار کتاب و مقاله به زبان‌های مختلف است. شاید دانستن انگیزه مایکل کوک برای تحقیق در این زمینه و تألیف کتابی به این وسعت، جالب باشد:

«اطلاع از حادثه‌ای زشت و ننگین در یکی از خیابان‌های شهر شیکاگو آمریکای بی‌تفاوتی مردم حاضر نسبت به آن، انگیزه من برای نوشتن این کتاب شد. در شامگاه یکی از روزهای پاییزی، در ایستگاه قطار شهری شیکاگو، در حضور مردم، زنی مورد اذیت و آزار قرار می‌گیرد اما هیچ کس برای کمک به زن، حرکتی نمی‌کند. فریادهای زن بی‌پاسخ می‌ماند و رهگذران جز تماشا کاری نکردند...».

پرسش مهمی که با اطلاع از این حادثه، برای مایکل آلن کوک مطرح می‌شود آن است که چرا مردم ساکت بودند و اقدامی نکردند؟ مطالعات و تحقیقات وی نشان می‌دهد که تقریباً برخلاف همهٔ نظام‌های حقوقی دنیا، تنها نظام حقوقی اسلام است که با داشتن آموزه امر به معروف و نهی از منکر، زمینهٔ مداخلهٔ ناظران در برابر انحرافات را فراهم می‌کند.

۴ موشی در خانهٔ صاحب مزرعه، تله موش دید، به مرغ و گوسفند و گاو خبر داد، همه گفتند: تله موش مشکل توست و به ما ربطی ندارد. ماری در تله افتاد و زن مزرعه‌دار را گزید، از مرغ برایش سوپ درست کردند، گوسفند را برای عبادت کنندگان سربریدند، گاو را برای مراسم ترحیم کشتند و در این مدت موش از سوراخ دیوار نگاه می‌کرد و به مشکلی که به دیگران ربط نداشت فکر می‌کرد.

۵ چند تشبیه درخصوص امر به معروف و نهی از منکر: امر به معروف مثل کاشتن گل در باغ است که هر چه گل‌ها بیشتر باشد یعنی کارهای خوب در جامعه رواج یابد، آن باغ زیباتر خواهد بود. نهی از منکر هم مانند زدودن علف‌های هرز و سم‌پاشی باغ است که مانع آسیب دیدن باغ می‌شود، البته هر دو (گل کاشتن و زدودن علف‌های هرز) برای داشتن باغی زیبا لازم است.

امر به معروف به مانند پدال گاز برای ماشین است و نهی از منکر هم چون پدال ترمز که هر دو ماشین جامعه را هدایت می‌کنند. پدال گاز حرکت ماشین جامعه به سمت خوبی‌ها را سرعت می‌بخشد و پدال ترمز مانع از فرو افتادن در چاله‌های گناه و برخورد با موانع می‌شود.

۶ پاسخ برخی از بهانه‌ها برای ترک امر به معروف و نهی از منکر
الف) بعضی می‌گویند: می‌ترسیم تذکر دهیم و به گفته ما عمل نشود! در پاسخ این افراد باید گفت: این توقع نابجاست؛ مگر مردم همه سخنان انبیا و امامان معصوم را گوش دادند؟ رسول اکرم ﷺ به

حضرت علی علیه السلام فرمود: به خدا سوگند که اگر حتی یک نفر توسط تو هدایت شود، برای تو از آنچه خورشید بر آن می‌تابد، بهتر است.

ب) بعضی می‌گویند: باید فکر اساسی کرد و کار از تذکر و موعظه گذشته است! در پاسخ می‌گوییم این حرف مثل این است که تشنه‌ای را ببینیم که از تشنگی در حال مرگ است و می‌توانیم با کمی آب او را نجات دهیم ولی بگوییم باید فکر اساسی کرد و باید به فکر آبرسانی سراسری به اینجا باشیم. البته فکر اساسی حرف منطقی است ولی این تفکر نباید بهانه‌ترک امر به معروف و نهی از منکر شود.

ج) برخی می‌گویند: بفرض ما امروز جلوی فساد وی را گرفتیم. باز فردا دوباره همان کار را خواهد کرد! این مثل آن است که بگوییم اگر امروز منزل و حیاط را تمیز کنیم، باز هفته دیگر کثیف خواهد شد! تکرار گناه فردا، دلیل بر سکوت امروز نیست.

منابع برای مطالعه بیشتر

- ۱ امر به معروف و نهی از منکر، شهید مطهری، مجموعه آثار، ج ۲۰.
- ۲ امر به معروف و نهی از منکر، محسن قرائتی.
- ۳ بزرگ‌ترین فریضه، آیت الله مصباح یزدی، مؤسسه امام خمینی رحمته الله علیه.
- ۴ نگرشی دیگر به امر به معروف و نهی از منکر، مؤسسه مطالعات راهبردی علوم و معارف اسلام.
- ۵ امر به معروف و نهی از منکر در اندیشه اسلامی، مایکل آلن کوک، بنیاد پژوهش‌های آستان قدس رضوی.

انفاق

درس یازدهم

هدف کلی

آشنایی با انفاق به عنوان یکی از راهکارهای دین اسلام برای رسیدگی به وضع محرومان و برطرف کردن نیازهای آنان

اهداف جزئی

- آشنایی با انفاق به عنوان یکی از راه‌های تأمین نیازهای عمومی جامعه
- گرایش نسبت به انفاق مال
- آشنایی با برخی از وظایف مالی مانند خمس و زکات و احکام مربوط به آنها
- آشنایی با برخی از انفاق‌های مستحب مانند قرض الحسنه و وقف

ضرورت درس

کمک به هم‌نوع یکی از وظایف انسان مسلمان است. خداوند در بسیاری از آیاتی که مسلمانان را امر به نماز کرده است، بلافاصله توصیه به پرداخت بخشی از مال برای کمک به محرومان نموده است. قرار گرفتن این مسئله در کنار بحث اقامه نماز و ارتباط با خدا، نشان از اهمیت آن دارد. از این‌رو لازم است دانش‌آموزان با این وظیفه دینی آشنا شوند.

تحلیل اجزای درس

■ ورودیه: در ورودیه درس وضعیت اقتصادی جهان در حال حاضر با توجه به آمار مستند مورد بررسی قرار گرفته است. در این آمارها سعی شده است فاصله طبقاتی فراوانی که در جهان به وجود آمده است و منجر به مرگ میلیون‌ها انسان شده است، نشان داده شود. این آمار مرگ و میر درحالی است که بسیاری از انسان‌ها نیز بر اثر امراض ناشی از پرخوری جان خود را از دست می‌دهند.

نکته تکمیلی ورودیه که خوب است در کلاس گفته شود این است که در کشور خودمان نیز شبیه این وضعیت را داریم و ما نیز مبتلا به این آشفتگی هستیم.

■ **فعالیت کلاسی:** دانش آموز وقتی این آمارها را می بیند خود به خود به این سؤال می رسد که چرا این وضعیت به وجود آمده است که این سؤال فعالیت کلاسی ماست. هدف این فعالیت کلاسی صرفاً داخل کردن دانش آموز در بحث است. دانش آموز می تواند به این سؤال جواب های متعددی از قبیل خودخواهی انسان ها، زورگویی برخی آدم ها، ظلم برخی به برخی دیگر و... بدهد.

■ **انفاق:** معنای اصلی انفاق در دین اسلام به جریان انداختن مال است. در نگاه اول شاید به نظر برسد که فردی با انفاق، مال خود را از دست می دهد، در صورتی که خداوند با تعبیر انفاق از آن یاد می کند که به معنی به جریان انداختن است؛ یعنی ثروتمند نباید ثروت خود را در جایی محبوس کند، بلکه آن را به جریان بیندازد یعنی به دیگران بدهد تا آنها نیز استفاده کنند؛ در برابر خداوند چندین برابر آن را به او باز می گرداند که همان به جریان افتادن ثروت می شود.

انفاق تأثیر بسیار زیادی در تقویت ایمان در دل انسان دارد. انفاق موجب خشیت فراوان در قلب می شود که مقدمه افزایش ایمان و وارد شدن نور الهی در آن است. اینها خواص انفاق در قرآن کریم است که اگر کسی انفاق کند هم مالش چندین برابر شده به او باز می گردد و هم اینکه ایمانش زیاد می شود.

■ **فعالیت کلاسی:** در این فعالیت دانش آموز باید بین دو موضوع ارتباط برقرار کند. یکی افزایش عقل انسان ها به میزان بالا در زمان حکومت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشريف و دیگری پیدا نشدن فقیر در آن زمان. ارتباطی که وجود دارد این است که انسان عاقل انفاق را خسارت نمی داند بلکه آن را سرمایه گذاری بزرگی می داند که هم در دنیا و هم در آخرت نتیجه آن را خواهد دید و از سوی دیگر انسان عاقل سعی می کند با سعی و تلاش فراوان نیازمند دیگران نباشد و همواره نیازهایش را با تلاش خودش فراهم کند. پس وقتی عقل انسان به رشد مطلوب برسد، از یک سو تعداد انفاق کنندگان زیاد می شود و به همین دلیل فقر از جامعه رخت برمی بندد و از سوی دیگر افراد فقیر با استفاده از توانمندی و رهنمودهای عقل خود، معیشت بهتری برای خود رقم می زنند.

■ **بیشتر بدانیم:** روحیه سرمایه گذاری و مغتنم شمردن فرصت انفاق امری است که در میان ائمه فراوان وجود داشته است و آنان از هر فرصتی برای این کار استفاده می کردند که نمونه آن امام حسن علیه السلام است. در این قسمت دانش آموزان با نمونه ای از سیره امامان در انفاق اموال خود آشنا می شوند.

انواع انفاق واجب

■ **زکات:** در این بخش دانش آموز با فریضه مهم زکات که در قرآن کریم بارها در کنار نماز آمده است، آشنا می شود. هدف این درس صرفاً آشنا کردن دانش آموز با کلیت این واجب دینی است و به جزئیات آن از

قبیل واردی که زکات به آنها تعلق می‌گیرد و نصاب‌های آنها کاری ندارد. همین قدر که دانش‌آموز بداند که مانند نماز، یک واجب مالی نیز در دین اسلام وجود دارد که برای کسانی که شرایطش را دارند واجب می‌شود و با آن مشکلات مالی فراوانی از جامعه مسلمین برطرف می‌شود و زکات موجب سرازیر شدن برکات الهی بر انسان‌هاست، کفایت می‌کند.

در این قسمت، زکات فطره که هر سال توسط مسلمانان به صورت عمومی پرداخت می‌شود نیز مورد تأکید قرار گرفته است. دین اسلام تأکید فراوانی دارد که این زکات حتماً شب عید و یا صبح عید به دست نیازمندان برسد تا بتواند با آن نیازمندی‌های خود را برطرف کند و واقعاً آنها نیز عید داشته باشند و چه خوب است که این سنت که افراد مستقیماً آن را به دست فقیر برسانند بار دیگر در میان مسلمانان زنده شود.

■ **فعالیت کلاسی :** این فعالیت به صورت تقریبی زکات چهار مورد را محاسبه کرده است که عدد حاصله به خوبی بیانگر این است که اگر زکات پرداخت شود به چه میزان مشکلات مالی فقرا برطرف می‌شود. این فعالیت به دنبال آموزش این نکته است که زکات چه توانایی بالایی در برطرف کردن نیازهای مستمندان جامعه دارد که اگر از سوی مردم پرداخت شود، گره از کار بسیاری از نیازمندان باز می‌کند.

■ **خمس :** خمس در ابتدا برای غنائم جنگی بوده است ولی با توجه به معانی واژه غنیمت که شامل غیر مورد جنگی نیز می‌شود و با توجه به شارع بودن امام معصوم دایره خمس به سایر موارد نیز تسری پیدا کرده است و بر مسلمانان واجب است یک پنجم اموالی که به دست می‌آورند را با شرایط خاصی که در درس گفته شده است، به حاکم اسلامی یا مرجع تقلید خود بپردازند.

برای اینکه نحوه تعیین سال خمسی برای دانش‌آموزان جا بیفتد، چند مثال بزنید : پرستار یا معلمی که حقوق می‌گیرد، باید تاریخ اولین حقوق خود را ابتدای سال خمسی خود قرار دهد؛ مثلاً اگر در سی مهرماه اولین حقوق را دریافت کرده است، باید آن را ابتدای سال خمسی قرار دهد. آنگاه از حقوق‌هایی که می‌گیرد برای هزینه زندگی خرج کند؛ در سی مهرماه سال بعد، اگر پولی باقی مانده باشد، خمس آن باقی مانده را می‌پردازد. یک کشاورز می‌تواند اولین روزی را که محصول برداشت کرده و درآمدی کسب کرده است، سال خمسی قرار دهد. پس از اینکه یک سال از این درآمد برای هزینه‌های زندگی مصرف کرد، خمس آنچه باقی مانده است، می‌پردازد. مغازه‌دار نیز می‌تواند هنگام تأسیس مغازه، ابتدای سال خمسی خود را تعیین کند.

■ **بیشتر بدانیم :** سیره شهید مهدی باکری بیان شده است که از شهدای شاخص دفاع مقدس است. این «بیشتر بدانیم» این نکته را به مخاطب گوشزد می‌کند که حتی در بحبوحه جنگ نیز نباید این واجب را فراموش کرد، همان گونه که افرادی مثل شهید باکری در اوج مسئولیت و گرفتاری، از پرداخت خمس خود غافل نمی‌شد.

انفاق‌های مستحب

■ **قرض:** قرض دادن نیز نوعی انفاق است که در آن اصل سرمایه توسط قرض گیرنده بازگردانده می‌شود. ثواب قرض بیشتر از صدقه است به دلیل مولد بودن. در قرض توصیه فراوانی شده است که پنهانی باشد و قبل از آنکه فرد نیازمند طلب قرض کند، خودمان مبلغی را به وی قرض دهیم؛ یعنی اگر متوجه شدیم که شخص نیاز به کمک مالی دارد، منتظر نمانیم که خودش بگوید، بلکه خودمان پیش قدم شویم. از سوی دیگر بر کراهت قرض کردن نیز تأکید فراوانی شده است و بهتر است انسان تا می‌تواند از کسی قرض نگیرد.

■ **وقف:** وقف سنتی است که در تمام ادیان آسمانی وجود دارد و امروزه موقوفات فراوانی میان دین‌داران یافت می‌شود. در دین اسلام نیز بر این سنت تأکید فراوانی شده است و مسلمانان آن را به عنوان یک سرمایه‌گذاری پرسود برای عالم برزخ خود انجام می‌دادند. موارد وقف بسیار فراوان است که مواردی از آن در کتاب آمده است. این سنت میان ائمه علیهم‌السلام رایج بوده است و از پیامبر اکرم تا سایر ائمه همه اقدام به وقف می‌کردند. دانش‌آموز را می‌توان در امور جزئی نیز به وقف تشویق کرد؛ همانند اینکه میز و صندلی برای کلاس بخرند و وقف کنند یا قرآن را برای خواندن دانش‌آموزان در نمازخانه مدرسه وقف کنند.

دانستنی‌های معلم

- ۱ آن هنگام که آیه زکات بر پیام آور وحی صلوات‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم نازل شد، به منادی فرمان داد تا میان مسلمانان ندا برآورد: «أيتها المسلمون! زكوا أموالكم تُقبَلْ صَلَوَاتُكُمْ»
- «ای مسلمانان! زکات دارایی‌های خویش را بدهید تا نمازتان پذیره حق شود».
- ۲ در این بخش برخی از احکام مربوط به زکات مطابق فتوای امام خمینی رحمته‌الله آورده شده است.

موارد وجوب زکات

زکات بر نه چیز واجب است:

اول: گندم؛

دوم: جو؛

سوم: خرما؛

چهارم: کشمش؛

پنجم: طلا؛

ششم: نقره؛

هفتم: شتر؛

هشتم : گاو؛

نهم : گوسفند.

اگر کسی مالک یکی از این نه چیز باشد، با شرایطی که بعداً گفته می شود، باید مقداری را که معین شده به یکی از مصرف‌هایی که دستور داده‌اند برساند. (توضیح المسائل، مسئله ۱۸۵۳)

شرایط و وجوب زکات

شرایط واجب شدن زکات بر دو نوع است :

الف) شرایط زکات دهندگان

کسانی که زکات بر آنان واجب است باید دارای شرایط زیر باشند :

۱ بلوغ

بنابراین، بر افراد نابالغ زکات واجب نیست.

۲ عقل

پس زکات بر کسی که مجنون است واجب نیست.

۳ مالکیت

پس بر مالی که بخشیده یا قرض داده شده، زکات واجب نیست، مگر بعد از پس گرفتن آنها.

(تحریرالوسیله، ج ۱، ص ۳۱۲، رابع‌ها)

۴ امکان تصرف کامل در مال

بنابراین در مال وقفی - اگر چه وقف خاص باشد - و اموال رهنی و مالی که به سرقت رفته، یا در زمین پنهان است و جای آن فراموش شده، یا گم شده است و همچنین مالی که در دریا افتاده و یا از غایبی به ارث رسیده و هنوز به دست وی یا وکیلش نرسیده و یا در مال قرضی، اگر چه امکان دریافت آن از بدهکار باشد، زکات واجب نیست. (تحریرالوسیله، ج ۱، ص ۳۱۳)

ب) شرایط موارد زکات

اول : شرایط زکات غلات

برای زکات غلات (گندم، جو، خرما و کشمش) دو شرط وجود دارد :

۱ مالک بودن زراعت - اگر از زراعت است - یا انتقال زراعت یا محصول (با درخت یا بدون آن) در ملک شخص، قبل از تعلق زکات. (تحریرالوسیله، ج ۱، ص ۳۲۶، الامرالثانی)

۲ رسیدن به مقدار نصاب. زکات گندم و جو و خرما و کشمش وقتی واجب می شود که به مقدار نصاب برسند و نصاب آنها ۸۴۷/۲۰۷ کیلوگرم می شود. (توضیح المسائل، مسئله ۱۸۶۴)

یادسپاری : زکات گندم و جو وقتی واجب می شود که به آنها گندم و جو گفته شود و زکات کشمش بنابر

احتیاط وقتی واجب می‌شود که غوره است و موقعی هم که خرما قدری خشک شد که به آن تمر می‌گویند زکات آن واجب می‌شود، ولی وقت دادن زکات در گندم و جو موقع خرمن شدن و جدا کردن کاه آنها و در خرما و کشمش موقعی است که خشک شده باشند. (توضیح المسائل، مسئله ۱۸۵۸)

دوم: شرایط زکات طلا و نقره

برای زکات طلا و نقره سه شرط وجود دارد:

۱ مسکوک بودن.

زکات طلا و نقره در صورتی واجب می‌شود که آن را سکه زده باشند و معامله با آن رواج داشته باشد و اگر سکه آن از بین هم رفته باشد، باید زکات آن را بدهند. (توضیح المسائل، مسئله ۱۸۹۹)

یادسپاری: طلا و نقره سکه داری که زن‌ها برای زینت به کار می‌برند، زکات ندارد. (توضیح المسائل،

مسئله ۱۹۰۰)

۲ گذشت سال.

بعد از آنکه انسان دوازده ماه مالک طلا و نقره بود باید زکات آن را بدهد، ولی از اول ماه دوازدهم نمی‌تواند طوری در مال تصرف کند که مال از بین برود و اگر تصرف کند ضامن است، و چنانچه در ماه دوازدهم بدون اختیار او بعضی از شرط‌های زکات از بین برود زکات بر او واجب نیست. (توضیح المسائل، مسئله ۱۸۵۶)

۳ رسیدن به مقدار نصاب.

زکات طلا و نقره وقتی واجب می‌شود که به مقدار نصاب برسند.

نصاب طلا:

طلا دو نصاب دارد: نصاب اول آن بیست مثقال شرعی است.

پس وقتی طلا به بیست مثقال شرعی که پانزده مثقال معمولی است برسد، اگر شرایط دیگر را هم که گفته شده داشته باشد، انسان باید $\frac{۱}{۴}$ آن را از بابت زکات بدهد و اگر به این مقدار نرسد زکات آن واجب نیست.

نصاب دوم آن چهار مثقال شرعی است که سه مثقال معمولی می‌شود؛ یعنی اگر سه مثقال به پانزده مثقال اضافه شود؛ باید زکات تمام ۱۸ مثقال را از قرار یک به چهل بدهد و زیادی آن زکات ندارد. همچنین است هر چه بالا رود؛ یعنی اگر سه مثقال اضافه شود، باید زکات تمام آنها را بدهد و اگر کمتر اضافه شود مقداری که اضافه شده زکات ندارد. (توضیح المسائل، مسئله ۱۸۹۶)

زکات سکه طلا

۱ آیا زکات به سکه‌های طلایی که به عنوان هدیه به شخصی داده‌اند تعلق می‌گیرد و در صورت تعلق گرفتن

به چه کسی باید داد، مثلاً می‌شود به حساب جبهه جنگ یا دولت واریز کرد؟ آیا زکات سال‌های

گذشته را نیز باید داد یا نه؟

اگر شرایط وجوب زکات در آن جمع باشد و به حد نصاب برسد زکات دارد و تا نصاب باقی است، برای هر سال جداگانه زکات دارد. (استفتائات، ج ۱، ص ۳۴۰، س ۳)

۲ جوانی هستم که به واسطه بیماری مادرزادی قادر به حرکت نمی باشم و با برادرها و خواهر و مادرم زندگی می کنم. در حدود یک سال است که پول خود را سکه طلا خریده تا وقت گران شدن طلا، آن را بفروشم و از این طریق کاری کرده باشم. شنیده ام این عمل طبق شرع اسلام نبوده و داشتن طلا برای مرد صحیح نیست، لطفاً مرا راهنمایی فرمایید.

باسمه تعالی - اشکال ندارد، ولی اگر یک سال طلای سکه دار باقی بماند و به حد نصاب باشد علاوه بر خمس درآمد، زکات هم واجب است به شرط آنکه پس از ادای خمس واجب، نصاب باقی باشد. (استفتائات، ج ۱، ص ۳۴۱، س ۴)

سوم : شرایط زکات دام

برای زکات دام (شتر و گاو و گوسفند) چهار شرط وجود دارد :

۱ گذشت سال

بعد از آنکه انسان دوازده ماه مالک گاو و گوسفند و شتر بود باید زکات آن را بدهد. ولی از اول ماه دوازدهم نمی تواند طوری در مال تصرف کند که مال از بین برود و اگر تصرف کند ضامن است و چنانچه در ماه دوازدهم بدون اختیار او، بعضی از شرط های زکات از بین برود زکات بر او واجب نیست. (توضیح المسائل، مسئله ۱۸۵۶)

۲ چریدن

یعنی آنکه دام در تمام سال از علف بیابان بچرد؛ پس اگر تمام سال یا مقداری از آن را از علف چیده شده، یا از زراعتی که ملک مالک یا ملک کس دیگر است بچرد زکات ندارد.

ولی اگر در تمام سال یک روز یا دو روز از علف مالک بخورد، بنابر احتیاط زکات آن واجب می باشد.

(توضیح المسائل، مسئله ۱۹۰۸)

۳ بیکار بودن حیوان

یعنی آنکه حیوان در تمام سال بیکار باشد و اگر در تمام سال یکی دو روز کار کرده باشد، زکات آن واجب

است. (توضیح المسائل، مسئله ۱۹۰۸)

۴ رسیدن به مقدار نصاب

زکات شتر و گاو و گوسفند وقتی واجب می شود که تعداد آنها به حد نصاب برسند که در صفحه بعد به

آنها اشاره می کنیم :

نصاب شتر

شتر دوازده نصاب دارد :

اول. پنج شتر و زکات آن یک گوسفند است و تا شماره شتر به این مقدار نرسد زکات ندارد؛

دوم. ده شتر و زکات آن دو گوسفند است؛

سوم. پانزده شتر و زکات آن سه گوسفند است؛

چهارم. بیست شتر و زکات آن چهار گوسفند است؛

پنجم. بیست و پنج شتر و زکات آن پنج گوسفند است؛

ششم. بیست و شش شتر و زکات آن یک شتر است که داخل سال دوم شده باشد؛

هفتم. سی و شش شتر و زکات آن یک شتر است که داخل سال سوم شده باشد؛

هشتم. چهل و شش شتر و زکات آن یک شتر است که داخل سال چهارم شده باشد؛

نهم: شصت و یک شتر و زکات آن یک شتر است که داخل سال پنجم شده باشد؛

دهم: هفتاد و شش شتر و زکات آن دو شتر است که داخل سال سوم شده باشد؛

یازدهم: نود و یک شتر و زکات آن دو شتر است که داخل سال چهارم شده باشد؛

دوازدهم: صد و بیست و یک شتر و بالاتر از آن است که باید یا چهل تا چهل تا حساب کند و برای هر چهل تا

یک شتر بدهد که داخل سال سوم شده باشد، یا پنجاه تا پنجاه تا حساب کند و برای هر پنجاه تا یک شتر بدهد که

داخل سال چهارم شده باشد و یا با چهل و پنجاه حساب کند ولی در هر صورت باید طوری حساب کند که چیزی

باقی نماند؛ یا اگر چیزی باقی می ماند، از نه تا بیشتر نباشد؛ مثلاً اگر ۱۴۰ شتر دارد، باید برای صد تا، دو شتر که

داخل سال چهارم شده و برای چهل تا، یک شتر ماده ای که داخل سال سوم شده باشد، بدهد.

یادسپاری: زکات مابین دو نصاب واجب نیست؛ پس اگر شماره شترهایی که دارد از نصاب اول که پنج

است بگذرد تا به نصاب دوم که ده تا است نرسیده فقط باید زکات پنج تای آن را بدهد و همچنین است در

نصاب های بعد. (توضیح المسائل، مسئله ۱۹۱۱)

اگر انسان برای شتر و گاو و گوسفند خود چراگاهی را که کسی نکاشته بخرد، یا اجاره کند، یا برای

چراندن در آن باج بدهد، باید زکات را بدهد. (توضیح المسائل، مسئله ۱۹۰۹)

نصاب گاو

گاو دو نصاب دارد: نصاب اول آن، سی تا است که وقتی شماره گاو به سی رسید، اگر شرایطی را که

گفته شد داشته باشد، انسان باید یک گوساله که داخل سال دوم شده را بابت زکات بدهد.

نصاب دوم آن چهل است و زکات آن یک گوساله ماده است که داخل سال سوم شده باشد.

زکات مابین سی و چهل واجب نیست؛ مثلاً کسی که سی و نه گاو دارد فقط باید زکات سی تای آنها را بدهد. نیز اگر از چهل گاو زیادتر داشته باشد تا به شصت نرسیده، فقط باید زکات چهل تای آن را بدهد و بعد از آنکه به شصت رسید، چون دو برابر نصاب اول را دارد، باید دو گوساله که داخل سال دوم شده باشد بدهد. همچنین هر چه بالا رود، باید آن را به دستوری که گفته شد بدهد؛ ولی باید طوری حساب کند که چیزی باقی نماند، یا اگر چیزی باقی می ماند از نه تا بیشتر نباشد؛ مثلاً اگر هفتاد گاو دارد باید به حساب سی و چهل حساب کند و برای سی تای آن زکات سی تا و برای چهل تای آن زکات چهل تا را بدهد؛ چون اگر به حساب سی تا حساب کند ده تا زکات نداده می ماند. (توضیح المسائل، مسئله ۱۹۱۲)

نصاب گوسفند

گوسفند پنج نصاب دارد :

اول : چهل و زکات آن یک گوسفند است و تا گوسفند به چهل نرسد زکات ندارد؛

دوم : صد و بیست و یک و زکات آن دو گوسفند است؛

سوم : دویست و یک و زکات آن سه گوسفند است؛

چهارم : سیصد و یک و زکات آن بنا بر احتیاط واجب چهار گوسفند است؛

پنجم : چهارصد و بالاتر که باید آنها را صد تا صد تا حساب کند و برای هر صد تا یک گوسفند بدهد.

لازم نیست زکات را از خود گوسفندها بدهد، بلکه اگر گوسفند دیگری بدهد، یا مطابق قیمت گوسفند

پول بدهد کافی است. ولی اگر بخواهد جنس دیگر بدهد، در صورتی بی اشکال است که برای فقرا بهتر باشد؛

اگر چه لازم نیست. (توضیح المسائل، مسئله ۱۹۱۳)

یادسپاری : زکات مابین دو نصاب واجب نیست؛ پس اگر شماره گوسفندهای کسی از نصاب اول که

چهل است بیشتر باشد تا به نصاب دوم که صد و بیست و یک است نرسیده، فقط باید زکات چهل تای آن را

بدهد و زیادی آن زکات ندارد و همچنین است در نصابهای بعد. (توضیح المسائل، مسئله ۱۹۱۴)

مصرف زکات

انسان می تواند زکات را در هشت مورد مصرف کند :

اول : فقیر و آن کسی است که مخارج سال خود و خانواده اش را ندارد و کسی که صنعت یا ملک یا

سرمایه ای دارد که می تواند مخارج سال خود را بگذراند فقیر نیست.

دوم : مسکین و آن کسی است که از فقیر سخت تر می گذراند.

سوم : کسی که از طرف امام علیه السلام یا نایب امام مأمور است که زکات را جمع و نگهداری نماید و به حساب

آن رسیدگی کند و آن را به امام علیه السلام یا نایب امام یا فقرا برساند.
چهارم: کافرایی که اگر زکات به آنان بدهند به دین اسلام مایل می‌شوند، یا در جنگ به مسلمانان کمک می‌کنند.

پنجم: خریداری بنده‌ها و آزاد کردن آنان.
ششم: بدهکاری که نمی‌تواند قرض خود را بدهد.
هفتم: سبیل الله، یعنی کاری که مانند ساختن مسجد منفعت عمومی دینی دارد، یا مثل ساختن پل و اصلاح راه که نفعش به عموم مسلمانان می‌رسد و آنچه برای اسلام نفع داشته باشد.
هشتم: این السبیل. یعنی مسافری که در سفر درمانده شده است. (توضیح المسائل، مسئله ۱۹۲۵)

مصرف زکات به وسیله خود انسان

آیا شخص مُکَلَّف می‌تواند خودش خمس و زکاتش را حساب بکند و طبق مصارفی که در رساله ذکر شده است به مصرف برساند؟
باسمه تعالی - در زکات مانع ندارد، ولی در خمس باید اجازه بگیرد. (استفتاء)

شرایط مستحقان زکات

مستحقان یا گیرندگان زکات باید واجد شرایط زیر باشند:

اول: کسی که زکات می‌گیرد باید شیعه دوازده امامی باشد و اگر از راه شرعی شیعه بودن کسی ثابت شود و به او زکات بدهد و زکات تلف شود بعد معلوم شود شیعه نبوده لازم نیست دوباره زکات بدهد. (توضیح المسائل، مسئله ۱۹۴۲)

دوم: به کسی که معصیت کبیره را آشکارا به جا می‌آورد، احتیاط واجب آن است که زکات ندهند. (توضیح المسائل، مسئله ۱۹۴۶)

سوم: انسان نمی‌تواند مخارج کسانی را که مثل اولاد خرجشان بر او واجب است از زکات بدهد، ولی دیگران می‌توانند به آنان زکات بدهند. (توضیح المسائل، مسئله ۱۹۴۸)

چهارم: سید نمی‌تواند از غیرسید زکات بگیرد، ولی اگر خمس و سایر وجوهات کفایت مخارج او را نکند و از گرفتن زکات ناچار باشد، می‌تواند از غیرسید زکات بگیرد. ولی احتیاط واجب آن است که اگر ممکن باشد فقط به مقداری که برای مخارج روزانه‌اش ناچار است، بگیرد. (توضیح المسائل، مسئله ۱۹۵۵)

زمان پرداخت زکات

۱ موقعی که گندم و جو را از کاه جدا می کنند و موقع خشک شدن خرما و انگور، انسان باید زکات آنها را به فقیر بدهد؛ یا از مال خود جدا کند.

زکات طلا و نقره و گاو و گوسفند و شتر را بعد از تمام شدن ماه دوازدهم باید به فقیر بدهد، یا از مال خود جدا نماید؛ ولی بعد از جدا کردن اگر منتظر فقیر معینی باشد، یا بخواهد به فقیری بدهد که از جهتی برتری دارد می تواند زکات را به انتظار او ولو تا چند ماه نگه دارد. (توضیح المسائل، مسئله ۱۹۶۱)

۲ بعد از جدا کردن زکات لازم نیست فوراً آن را به مستحق بدهد، ولی اگر به کسی که می شود زکات داد، دسترسی دارد احتیاط مستحب آن است که دادن زکات را تأخیر نیندازد. (توضیح المسائل، مسئله ۱۹۶۲)

۳ کسی که می تواند زکات را به مستحق برساند، اگر ندهد و به واسطه کوتاهی او از بین برود، باید عوض آن را بدهد. (توضیح المسائل، مسئله ۱۹۶۳)

۴ کسی که می تواند زکات را به مستحق برساند، اگر زکات را ندهد و بدون آنکه در نگهداری آن کوتاهی کند از بین برود، چنانچه دادن زکات را به قدری تأخیر انداخته که نمی گویند فوراً داده است، باید عوض آن را بدهد و اگر به این مقدار تأخیر نینداخته، مثلاً دو سه ساعت تأخیر انداخته و در همان دو سه ساعت تلف شده، در صورتی که مستحق حاضر نبوده چیزی بر او واجب نیست و اگر مستحق حاضر بوده، بنا بر احتیاط واجب باید عوض آن را بدهد. (توضیح المسائل، مسئله ۱۹۶۴)

جهاد

درس دوازدهم

هدف کلی

آشنایی با مفهوم جهاد و انواع آن

اهداف جزئی

- آشنایی با اهمیت و جایگاه جهاد در قرآن
- آشنایی با جهاد ابتدایی و جهاد دفاعی
- تبیین وظیفه همگان جهت کسب آمادگی برای دفاع از میهن

ضرورت درس

جهاد با دشمنان دین و میهن یکی از دستورات الهی است. اما از آنجا که این حکم همواره به ضرر دشمنان اسلام تمام شده است و جلوی نیل آنها به مقاصد شومشان را گرفته است، درصددند تا با القای برخی شبهات، ذهن مسلمانان را نسبت به این فریضه الهی مخدوش کنند و با تضعیف آن، جوامع اسلامی را نسبت به سرنوشت خود و دیگران بی تفاوت سازند تا در نهایت بتوانند بدون کمترین هزینه‌ای این کشورها را زیر سلطه خود بکشند. از این رو، لازم است تا دانش‌آموزان با این حکم الهی و جنبه‌های مختلف آن آشنا شوند و به ضرورت و اهمیت آن پی ببرند.

محورهای اصلی درس

- ۱ فلسفه جهاد
- ۲ اهمیت جهاد در اسلام
- ۳ مجاهدان راه خدا در هر حال پیروزند
- ۴ انواع جهاد در اسلام: ابتدایی و دفاعی

۵ لزوم کسب آمادگی لازم برای دفاع از کشور

این درس به این پرسش‌ها پاسخ می‌دهد :

- ۱ چرا در دین ما به جهاد در راه خدا تشویق شده است؟
- ۲ جنگیدن در راه خدا چه جایگاهی در دین اسلام دارد؟
- ۳ آیا می‌شود کسی که در جهاد با دشمنان مغلوب شده است را پیروز نامید؟
- ۴ چند نوع جهاد وجود دارد؟
- ۵ آیا تشویق به جهاد در راه خدا باعث نمی‌شود که دیگران ما را جنگ طلب بدانند؟

تحلیل اجزای درس

■ ورودیه : یکی از شبهاتی که دشمنان به دنبال وارد کردن آن به ذهن نسل جوان جامعه اسلامی هستند، این است که دین اسلام به دلیل توجه زیادی که به مسئله جهاد نموده است، خشونت و جنگ را ستوده و از آن حمایت کرده است و از این طریق به دنبال القای این مطلب‌اند که اسلام حامی جنگ و خشونت است. این ورودیه با توجه به همین نکته این مسئله را به مخاطب یادآور شده است که با نگاهی گذرا به تاریخ، به خوبی می‌توان دید که همواره عامل جنگ‌ها و خون‌ریزی‌ها همین افراد و دولت‌های زورگو و مستبد بوده‌اند که به دلیل قدرت طلبی از حد خویش تجاوز کرده و سعی در غارت ملت‌های دیگر داشته‌اند. بنابراین اگر جنگی هم هست، آتش آن توسط همین زورگویان برافروخته شده است.

پس در واقع همین قدرت‌های ظالم و زورگو عامل این همه جنگ و غارت‌اند نه دین اسلام . نکته دومی که در این ورودیه بیان شده است، تبیین فلسفه جهاد به زبان ساده است. در اینجا گفته شده است که به نظر شما اگر چنین افراد مستبدی به ما حمله کنند وظیفه ما چیست؟ آیا می‌توان دست روی دست گذاشت و از خود دفاع نکرد؟ به یقین هر کسی این حق را بر خود مسلم می‌داند که در برابر متجاوزان بایستد و از خود و دین و ناموسش دفاع کند. این دقیقاً همان چیزی است که اسلام به آن توصیه کرده است، یعنی در برابر متجاوز ایستادن و از حق خود دفاع کردن. بنابراین جهادی که اسلام از آن سخن می‌گوید چیزی جز تأکید بر حقوق مسلم انسان‌ها در دفاع از خود نیست.

■ جهاد در اسلام : در این بخش سه نکته مهم مورد توجه قرار گرفته است :

اول، اهمیت فراوان جهاد در دین اسلام است، به طوری که حدود یک صد آیه از آیات قرآن به این مسئله اختصاص یافته است که نشان‌دهنده جایگاه والای این عمل است.

دوم اینکه جهاد در راه خدا همچون معامله انسان با خداست. در این معامله انسان فروشنده است و خداوند

خریدار و آنچه که به فروش می‌رسد جان انسان است و آنچه که در بهایش پرداخت می‌شود بهشت الهی است و سند این معامله نیز کتاب‌های آسمانی است، چرا که طبق آیه ذکر شده در درس، این معامله در تورات و انجیل و قرآن به ثبت رسیده است. در قرآن از این معامله به‌عنوان فوز عظیم یاد شده است و چه چیز بالاتر از این که انسان جان خود را به خدا بفروشد و در ازای آن بهترین پاداش، یعنی بهشت الهی را دریافت کند.

سوم اینکه با توجه به آیه، کسی که در راه خدا جهاد می‌کند، همیشه پیروز است، چه کشته شود و چه غلبه کند زیرا در هر دو صورت به پاداش عظیم الهی می‌رسد.

انواع جهاد:

■ **جهاد دفاعی:** در این قسمت توجه به چند نکته لازم است:

۱) جامعه‌ای که به دستورات اسلام عمل می‌کند بیش از دیگران در خطر حمله دشمنان قرار دارد؛ زیرا قدرت‌های استعمارگر می‌دانند که اسلام همواره باعث بیداری ملت‌ها و اتحاد آنان علیه ظلم و زور است، برای همین همیشه سعی دارند تا این گونه جوامع را از سر راه خود بردارند. پس جامعه اسلامی همیشه باید آماده مقابله با این تهدیدات باشد.

۲) با توجه به نکته قبل، دشمنان اسلام که به خوبی از تأثیرات دین اسلام بر پیروان خود باخبرند، برای آنکه جلوی رشد روزافزون دین اسلام را در میان سایر ملل بگیرند، سعی دارند چهره آن را در میان سایر جوامع مخدوش نشان دهند. برای همین سعی می‌کنند این دین را خشن و حامی جنگ معرفی کنند. در پاسخ به این ادعای آنان باید این نکته را به مخاطبان گوشزد کرد که:

اولاً ریشه بسیاری از جنگ‌هایی که به اسم مسلمانان در عراق، سوریه، افغانستان و... در حال وقوع است به خود این قدرت‌ها برمی‌گردد زیرا امروزه به خوبی مشخص شده است که به‌وجود آوردن گروهای افراطی در منطقه، آمریکا و متحدانش هستند.

دوم اینکه، کسانی مسلمانان را به خشونت طلبی متهم می‌کنند که از بدو شکل‌گیری حکومت‌های خود دائم در حال جنگ و کشتار بی‌گناهان بوده‌اند. کافی است نگاهی به پرونده این افراد، در جنگ با سرخ‌پوست‌ها که مالکان اصلی قاره آمریکا بوده‌اند، بیندازیم و یا به پرونده سیاه برده‌داری سری بزیم و یا ببینیم که چه کسانی دو جنگ بزرگ جهانی را به‌وجود آوردند.

■ **جهاد با سرکشان:** این جهاد، نوعی از جهاد دفاعی است. جهادی که دشمن آن نه در بیرون مرزها بلکه از درون کشور دست به آشوب و جنگ می‌زند. اگر در داخل کشور اسلامی گروهی توطئه کنند، آرامش جامعه را بر هم زنند، حکومت اسلامی را تضعیف کنند و یا با تخریب و ترور در صدد براندازی حکومت اسلامی برآیند، بر حکومت واجب است تا اگر با گفت و گو و نصیحت توانست این افراد را از اقدامات

خود باز دارد، از قدرت نظامی استفاده کند. جنگ با گروهک‌های تروریستی، اشرار، گروه‌های جدایی طلب و... نمونه‌هایی از این جهاد است.

■ **جهاد/بند/یی:** در این قسمت باید این نکته از سوی دبیران مورد تأکید قرار گیرد که اسلام هرگز برای کشورگشایی و گرفتن اراضی و استثمار مردم و تحمیل عقاید و فرهنگ‌ها دستور جهاد نمی‌دهد. اما اگر مردمی در جهل و نادانی باشند و یا در فقر و محرومیت و خفقان زندگی کنند و ستمگران دسترنجشان را چپاول کنند، در چنین وضعی سپاه اسلام وظیفه دارد به باری این محرومان بشتابد و آنان را از جنگال ظالمان نجات دهد. البته تنها کسی که اجازه چنین حکمی را داشته و یا دارد پیامبر، امامان و یا ولی مسلمین است (در خصوص شرایط و ویژگی‌های ولی مسلمین در درس هفتم مطالبی بیان شد).

■ **فعالیت کلاسی:** موارد یک، سه و چهار، نمونه‌هایی از جهاد دفاعی است و مورد دو به جهاد با سرکشان اشاره دارد که البته خود این جهاد نیز زیر مجموعه جهاد دفاعی است.

■ **کسب آمادگی برای دفاع:** با توجه به توطئه گسترده‌ای که قدرت‌های استعمارگر و زورگو علیه جوامع اسلامی دارند لازم است تا حکومت‌های اسلامی همواره در نهایت آمادگی برای دفاع از خویش باشند. هرچه میزان آمادگی بیشتر باشد، احتمال تهدید دشمن نیز کمتر است. پس لازم است که کشور تا آنجا که می‌تواند به ابزارهای دفاعی پیشرفته تجهیز شود.

■ **فعالیت کلاسی:** دانش‌آموزان با توجه به محتوای درس می‌توانند به وظایف خود و دیگران برای بالابردن توان دفاعی کشور اشاره کنند. ممکن است دانش‌آموزی به وظیفه علم‌آموزی اشاره کند تا در سایه آن بتوان در کشور تجهیزات لازم را برای دفاع از میهن تولید کرد. ممکن است دانش‌آموزی به خدمت سربازی اشاره کند و آن را برای تک تک افراد به منظور یادگیری مهارت‌های نظامی لازم بداند، همچنین می‌توان با توجه به مطالبی که در کتاب آمادگی دفاعی آموزش داده شده است، به ذکر نمونه‌هایی از این کتاب پرداخت.

منابع برای مطالعه بیشتر

■ جهاد، مرتضی مطهری، نشر صدرا.

